



# پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۹ تیر ماه ۱۴۰۲

(جامع ۳)

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

# پدید آورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

| نام درس             | نام طراحان                                                                                                                                                                         |
|---------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ریاضی               | سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم تونده‌جانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، امیر زراندوز، علی شهرابی، سعید عزیزخانی، فرشید کریمی، امیر محمودیان |
| زبان و ادبیات فارسی | سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، محمدامین داداش‌فام، سیدعلیرضا علویان، سجاد غلام‌پور سیوگی، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، سید محمد هاشمی، شیوا نظری، رضا نوروزبیگی          |
| علوم اجتماعی        | ریحانه امینی، آرزیتا بیدقی، زینب آذری، فاطمه صفری                                                                                                                                  |
| روان‌شناسی          | حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی‌نژاد                                                                                                                               |
| زبان عربی           | محمود بادبرین، ولی برجی، بهروز حیدریکی، اسماعیل علی‌پور، حمیدرضا قائدامینی، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان                                                         |
| تاریخ و جغرافیا     | زهرا دامیار، فاطمه سخایی، علی محمد کریمی، محمدرضا محمودی‌ها، جواد میربلوکی                                                                                                         |
| فلسفه و منطق        | حسین آخوندی راهنماچی، علیرضا تقی‌پور، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، علیرضا نصیری                                                                                      |
| اقتصاد              | نسرین جعفری، سارا شریفی، مهدی ضیائی                                                                                                                                                |

## گزینشگران و ویراستاران

| نام درس             | گزینشگر                         | مسئول درس                       | ویراستار                                       | مستندسازی   |
|---------------------|---------------------------------|---------------------------------|------------------------------------------------|-------------|
| ریاضی               | محمد بحیرایی                    | محمد بحیرایی                    | ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، آروین حسینی | الهه شهبازی |
| زبان و ادبیات فارسی | سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد | سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد | یاسین مهدیان                                   | فریبا رئوفی |
| علوم اجتماعی        | آرزیتا بیدقی                    | فاطمه صفری                      | کوثر شاه‌حسینی                                 | زهرا قموشی  |
| روان‌شناسی          | مهسا عفتی                       | مهسا عفتی                       | فرهاد علی‌نژاد                                 | زهرا قموشی  |
| زبان عربی           | نوید امساکی                     | سید محمدعلی مرتضوی              | درویشعلی ابراهیمی، فاطمه منصورخاکی             | لیلا ایزدی  |
| تاریخ               | جواد میربلوکی                   | جواد میربلوکی                   | زهرا دامیار                                    | ستایش محمدی |
| جغرافیا             | زهرا دامیار                     | زهرا دامیار                     | سیدعلیرضا علویان                               | ستایش محمدی |
| فلسفه و منطق        | سبا جعفرزاده صابری              | نیما جواهری                     | فرهاد علی‌نژاد                                 | زهرا قموشی  |
| اقتصاد              | مهدی ضیائی                      | سارا شریفی                      | فاطمه صفری                                     | زهرا قموشی  |

## گروه فنی و تولید

|                     |                                            |
|---------------------|--------------------------------------------|
| مدیر گروه           | سید محمدعلی مرتضوی                         |
| مسئول دفترچه        | زهرا دامیار                                |
| گروه مستندسازی      | مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی |
| حروف‌چین و صفحه‌آرا | مهشید ابوالحسنی                            |
| ناظر چاپ            | حمید عباسی                                 |

ریاضی

۱- گزینه «۲»

(سعید عزیزقانی)

ریشه‌های معادله را  $\alpha$  و  $\beta$  در نظر می‌گیریم و داریم:

$$(2\alpha + 2) + (2\beta + 2) = 16 \Rightarrow 2\alpha + 2\beta + 4 = 16$$

$$\Rightarrow 2(\alpha + \beta) = 12$$

$$\Rightarrow \alpha + \beta = 4$$

$$\Rightarrow S = -\frac{b}{a} = \frac{-(-4m)}{3} = 4 \Rightarrow m = 3$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۲- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

چون ریشه‌ها معکوس هم هستند، پس حاصل ضرب آن‌ها یک می‌شود:

$$\frac{c}{a} = 1 \Rightarrow c = a$$

در این معادله  $a = 3$  و  $c = m^2 - 1$  است؛ بنابراین:

$$m^2 - 1 = 3 \Rightarrow m^2 = 4 \Rightarrow m = \pm 2$$

به‌ازای  $m = \pm 2$ ،  $\Delta > 0$  است پس هر دو قابل قبول می‌باشند.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۷ تا ۳۲)

۳- گزینه «۴»

(معمربراهیم توزنده‌بانی)

ابتدا مجموعه مورد نظر باید تابع باشد؛ بنابراین داریم:

$$d - b = b \Rightarrow d = 2b, \begin{cases} (2b, 1) \in f \\ (d, c) \in f \end{cases} \Rightarrow c = 1$$

$$\{(2b, 1), (a+1, a-b), (0, b)\}$$

حال این تابع باید دو عضو داشته باشد، بنابراین حالات زیر امکان‌پذیر است:

$$(1) (2b, 1) = (0, b) \Rightarrow \begin{cases} b = 0 \\ b = 1 \end{cases} \Rightarrow \text{غ‌ق‌ق}$$

$$(2) \begin{cases} a - b = b \\ 1 + a = 0 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a = -1 \\ b = -\frac{1}{2} \end{cases} \Rightarrow \text{چون } a, b > 0 \text{ غ‌ق‌ق}$$

$$(3) \begin{cases} a - b = 1 \\ 1 + a = 2b \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} b = 2 \\ a = 3 \end{cases} \Rightarrow a + b = 5$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۵۴)

۴- گزینه «۲»

(امیررضا ذاکر زاده)

برای به‌دست آوردن مساحت مثلث  $ABC$  ابتدا طول قاعده  $AB$  را به‌دست می‌آوریم.

نقاط  $A$  و  $B$  محل برخورد سهمی با محور  $x$  هستند؛ بنابراین داریم:

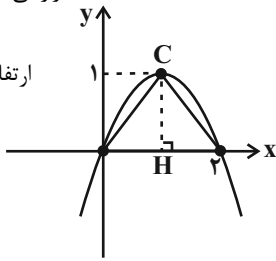
$$-x^2 + 2x = 0 \Rightarrow x(-x + 2) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x_A = 0 \\ x_B = 2 \end{cases} \Rightarrow AB = 2 = \text{قاعده}$$

همچنین برای به‌دست آوردن ارتفاع مثلث، باید عرض نقطه  $C$  را که همان عرض رأس سهمی است، محاسبه کنیم.

$$\text{داخل تابع} \rightarrow x \text{ رُس} = \frac{-2}{-2} = 1 \rightarrow \text{قرار می‌دهیم}$$

$$y \text{ رُس} = -(1)^2 + 2(1) = 1 = CH = \text{ارتفاع}$$

$$\text{مساحت} = \frac{\text{قاعده} \times \text{ارتفاع}}{2} = \frac{1 \times 2}{2} = 1$$



(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۲)

۵- گزینه «۲»

(مهمربراهیم)

سن افراد یک متغیر کمی است، زیرا قابل جمع، تفریق و معدل‌گیری است پس (الف) درست است.

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به سن تماشاگران از طریق مصاحبه انجام می‌شود.

میانگین سن کل تماشاگران می‌تواند به‌عنوان پارامتر جامعه در نظر گرفته شود؛ نه میانگین ۱۰۰ نفر انتخابی که آماره است، پس (ب) هم نادرست است.

میانگین سن نمونه‌ای از جامعه که اینجا گفته شده ۱۰۰ نفر می‌تواند به‌عنوان آماره در نظر گرفته شود؛ پس (الف) و (ت) درست است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۲ تا ۸۴)

۶- گزینه «۴»

(آروین هسینی)

مطابق نمودار تعداد مشتری‌ها در شنبه صفر نفر و در سه‌شنبه ۱۰ نفر است، از طرفی تعداد مشتری‌ها در ایام هفته به‌ترتیب زیر است:

$(\min)$  حداقل تعداد مشتری‌ها

سه‌شنبه چهارشنبه پنجشنبه جمعه یکشنبه دوشنبه شنبه  
 $0 < 1 < 2 < 3 < 4 < 5 < 10$

$(\max)$  حداکثر تعداد مشتری‌ها:  $0 < 5 < 6 < 7 < 8 < 9 < 10$

$$a : (\min) = \frac{0+1+2+3+4+5+10}{7} = \frac{25}{7}$$

$$b : (\max) = \frac{0+5+6+7+8+9+10}{7} = \frac{45}{7}$$

حال داریم:

$$\begin{cases} a = \frac{25}{7} \\ b = \frac{45}{7} \end{cases} \Rightarrow 2a - b = 2\left(\frac{25}{7}\right) - \frac{45}{7} = \frac{50 - 45}{7} = \frac{5}{7}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۹)

۷- گزینه «۴»

(معمد بگیری)

ابتدا داده‌ها را مرتب می‌کنیم:

$$۴, ۵, ۷, ۸, ۱۲, ۱۳, ۱۵, ۱۷, ۱۸$$

$$Q_1=۶ \quad Q_2=۱۲ \quad Q_3=۱۶$$

داده‌های داخل جعبه: ۷, ۸, ۱۲, ۱۳, ۱۵

$$\bar{x} = \frac{۷+۸+۱۲+۱۳+۱۵}{۵} = \frac{۵۵}{۵} = ۱۱$$

$$s^2 = \frac{(۷-۱۱)^2 + (۸-۱۱)^2 + (۱۲-۱۱)^2 + (۱۳-۱۱)^2 + (۱۵-۱۱)^2}{۵}$$

$$= \frac{۱۶+۹+۱+۴+۱۶}{۵} = \frac{۴۶}{۵} = ۹/۲$$

(ریاضی و آمار (۱)، ککر یا داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۹ تا ۹۸)

۸- گزینه «۱»

(معمد بگیری)

فرض می‌کنیم در ابتدا  $n$  متغیر وجود دارد، پس:

$$\frac{۳۶۰}{n} - \frac{۳۶۰}{n+۳} = ۲۷ \Rightarrow \frac{۳۶۰(n+۳) - ۳۶۰n}{n(n+۳)} = ۲۷$$

$$\Rightarrow \frac{۳ \times ۳۶۰}{n^2 + ۳n} = ۲۷ \Rightarrow \frac{۴۰}{n^2 + ۳n} = ۱ \Rightarrow n^2 + ۳n = ۴۰$$

$$\Rightarrow n^2 + ۳n - ۴۰ = 0 \Rightarrow (n+۸)(n-۵) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} n = -۸ & \text{قق} \\ n = ۵ & \text{قق} \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۷)

۹- گزینه «۴»

(ابوالفضل بویاری)

گزاره شرطی تنها در حالتی نادرست است که مقدم درست و تالی نادرست باشد، بنابراین  $\sim q$  باید نادرست باشد، در نتیجه  $q$  درست است. مقدم یعنی  $(p \Leftrightarrow \sim q) \wedge (\sim p \Rightarrow q)$  باید درست باشد. از آنجا که  $q$  درست است، ارزش  $(\sim p \Rightarrow q)$  درست است و چون در مقدم یک گزاره عطفی داریم، پس  $(p \Leftrightarrow \sim q)$  نیز باید درست باشد، پس  $p$  هم نادرست است.

$\sim p$  و  $q$  درست:

$$((p \Leftrightarrow \sim q) \wedge (\sim p \Rightarrow q)) \Rightarrow \sim q$$

$$\Rightarrow ((\underbrace{F \Leftrightarrow F}_T) \wedge (\underbrace{T \Rightarrow T}_T)) \Rightarrow F \equiv F$$

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱ تا ۱۱)

۱۰- گزینه «۱»

(معمد عمیری)

با استفاده از هم‌ارزی گزاره شرطی داریم:

$$q \Rightarrow p \equiv \sim q \vee p$$

$$(q \Rightarrow p) \wedge (p \vee q) \equiv (\sim q \vee p) \wedge (p \vee q)$$

$$\equiv (p \vee \sim q) \wedge (p \vee q) \xrightarrow{\text{با استفاده از عکس قانون توزیع پذیری}} p \vee (\sim q \wedge q)$$

$$\equiv p \vee F \equiv p$$

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱ تا ۱۱)

۱۱- گزینه «۱»

(علی شهرابین)

عبارت  $x^2 + ۳$  همواره مثبت است. پس:

$$\text{sign}(x^2 + ۳) = ۱$$

معادله را ساده می‌کنیم:

$$\text{sign}(x^2 - x - ۵) + \underbrace{\text{sign}(x^2 + ۳)}_1 = ۱ \Rightarrow \text{sign}(x^2 - x - ۵) = ۰$$

باید  $x^2 - x - ۵$  هم صفر باشد:

$$x^2 - x - ۵ = 0 \xrightarrow{\Delta=۲۱} x = \frac{1 \pm \sqrt{۲۱}}{۲}$$

مقادیر تقریبی ریشه‌ها را حساب می‌کنیم:

$$\begin{cases} x_1 = \frac{1 + \sqrt{۲۱}}{۲} = \frac{1 + ۴/۶}{۲} = ۲/۸ \\ x_2 = \frac{1 - \sqrt{۲۱}}{۲} = \frac{1 - ۴/۶}{۲} = -۱/۸ \end{cases}$$

پس:

$$[x_1] + [x_2] = [۲/۸] + [-۱/۸] = ۲ + (-۲) = ۰$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۴ و ۳۹)

۱۲- گزینه «۴»

(آروین سینی)

ابتدا مقادیر  $f(x)$  را برای  $x=۲$  و  $x=۰$  و  $x=-۲$  تعیین می‌کنیم:

$$f(۲) = \frac{۴(۲)+۲}{[۱-۲]-\text{sign}(۲)} = \frac{۸+۲}{-۱-۱} = \frac{۱۰}{-۲} = -۵$$

$$f(۰) = \frac{۴(۰)+۲}{[۱-۰]-\text{sign}(۰)} = \frac{۲}{۱} = ۲$$

$$f(-۲) = \frac{۴(-۲)+۲}{[۱-(-۲)]-\text{sign}(-۲)} = \frac{-۸+۲}{۳-(-۱)} = \frac{-۶}{۴} = -\frac{۳}{۲}$$

حال میانگین خروجی‌های به‌دست آمده را تعیین می‌کنیم:

$$\bar{y} = \frac{-۵+۲+(-\frac{۳}{۲})}{۳} = \frac{-۳-\frac{۳}{۲}}{۳} = \frac{-\frac{۹}{۲}}{۳} = \frac{-۹}{۲ \times ۳} = -\frac{۳}{۲} = -۱/۵$$

(ریاضی و آمار (۱) و (۲)، تابع، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۶ و ۳۴ تا ۳۹)

۱۳- گزینه «۱»

(امیر زرانروز)

تابع  $g$  به صورت  $g(x) = ۰$  است؛ بنابراین:

$$\begin{cases} f(۲x-۱) = ۲x-۱ & \text{در معادله قرار می‌دهیم} \\ g(۲x-۱) = ۰ \end{cases} \rightarrow ۳x-۲ = ۲x-۱+۰$$

$$\Rightarrow ۳x-۲x = ۲-۱ \Rightarrow x = ۱$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

۱۴- گزینه ۲»

(فرشید کریمی)

طبق سؤال با اضافه شدن ۱۵۰ نفر بیکار، تعداد افراد بیکار منطقه در سال ۱۳۹۹ برابر  $۲۵۰ + ۱۵۰ = ۴۰۰$  نفر است و جمعیت فعال منطقه در سال ۱۳۹۹ برابر است با:  $۱۸۵۰ + ۱۵۰ = ۲۰۰۰$  نفر است.  
نرخ بیکاری را از رابطه زیر به دست می آوریم:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{افراد بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ = \frac{۴۰۰}{۲۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۲۰\%$$

(ریاضی و آمار، (۲)، آمار، صفحه های ۶۰ و ۶۱)

۱۵- گزینه ۱»

(سامان اسپهر)

ابتدا ۲ کتاب از ۴ کتاب علمی و ۳ کتاب از ۷ کتاب داستانی را انتخاب می کنیم. سپس آن ها را به صورت زیر، یک در میان می چینیم و به ۲! کتاب های علمی و به ۳! کتاب های داستانی را جایگشت می دهیم.

|         |      |         |      |         |
|---------|------|---------|------|---------|
| داستانی | علمی | داستانی | علمی | داستانی |
| ۱       | ۱    | ۲       | ۲    | ۳       |

$$\binom{۴}{۲} \times \binom{۷}{۳} \times ۲! \times ۳! = \frac{۴ \times ۳}{۲} \times \frac{۷ \times ۶ \times ۵ \times ۴!}{۳ \times ۲ \times ۴!} \times ۲ \times ۶ = ۲۵۲۰$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۲ تا ۱۱)

۱۶- گزینه ۴»

(سامان اسپهر)

تعداد کل انتخاب ها برابر است با:

$$n(S) = \binom{۶}{۲} = \frac{۶ \times ۵}{۲} = ۱۵$$

حالا به سراغ حالت هایی می رویم که یکی از اعداد مضرب دیگری است:

$$A = \{(1,2), (1,3), (1,4), (1,5), (1,6), (2,4), (2,6), (3,6)\}$$

$$n(A) = ۸$$

$$\Rightarrow p(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{۸}{۱۵}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۱۴ تا ۲۷)

۱۷- گزینه ۱»

(مهمر ممبیدی)

$$d = \frac{a_m - a_n}{m - n} = \frac{a_4 - a_2}{4 - 2} = \frac{-4 - 2}{2} = \frac{-6}{2} = -3$$

$$a_2 - d = a_1 \Rightarrow 2 - (-3) = 5 = a_1$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d$$

$$a_n = 5 + (n-1)(-3)$$

$$a_n = 5 - 3n + 3 \Rightarrow a_n = 8 - 3n$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای فنی، صفحه های ۶۱ تا ۷۲)

۱۸- گزینه ۲»

(امیر مهموریان)

$۲x - ۱$  واسطه هندسی بین  $x - ۳$  و  $۵x + ۵$  است. بنابراین:

$$(2x-1)^2 = (x-3)(5x+5)$$

$$\Rightarrow 4x^2 - 4x + 1 = 5x^2 + 5x - 15x - 15$$

$$\Rightarrow x^2 - 6x - 16 = 0 \Rightarrow (x-8)(x+2) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x=8 \\ x=-2 \end{cases}$$

$$\text{اگر } x = -2: -2 - 3, 2(-2) - 1, 5(-2) + 5, 9(-2) + 7y, \dots$$

$$\Rightarrow -5, -5, -5, -18 + 7y$$

دنباله هندسی ثابت است و قابل قبول نیست.

$$\text{اگر } x = 8: 8 - 3, 2 \times 8 - 1, 5 \times 8 + 5, 9 \times 8 + 7y, \dots$$

$$\Rightarrow 5, 15, 45, 72 + 7y, \dots$$

دنباله هندسی با نسبت مشترک  $r = 3$  است. بنابراین:

$$72 + 7y = 45 \times 3 = 135 \Rightarrow 7y = 135 - 72 = 63 \Rightarrow y = 9$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیر فنی، صفحه های ۷۲ تا ۸۴)

۱۹- گزینه ۳»

(آروین حسینی)

با ساده کردن عبارت داده شده، داریم:

$$3^1 \times \frac{1}{3^2} \times \frac{1}{3^3} \times \dots \times \frac{1}{3^{256}} = \frac{1}{3} \left( \frac{1}{3} + \frac{1}{3} + \dots + \frac{1}{3} \right)$$

اعداد  $1, \frac{1}{3}, \frac{1}{3^2}, \dots, \frac{1}{3^{256}}$  جملات یک دنباله هندسی با نسبت مشترک

$r = \frac{1}{3}$  هستند، از طرفی تعداد جملات  $n = 9$  است:

$$\left(\frac{1}{3}\right)^0, \left(\frac{1}{3}\right)^1, \left(\frac{1}{3}\right)^2, \dots, \left(\frac{1}{3}\right)^8$$

مجموع این ۹ جمله برابر است با:

$$S_9 = \frac{1 \left( 1 - \left(\frac{1}{3}\right)^9 \right)}{1 - \frac{1}{3}} = \frac{1 - \frac{1}{3^9}}{\frac{2}{3}} = \frac{3 \left( 1 - \frac{1}{3^9} \right)}{2} = \frac{3 \times 256 - 3}{2} = \frac{768 - 3}{2} = \frac{765}{2}$$

بنابراین عبارت داده شده برابر است با:

$$3^1 \times \frac{1}{3^2} \times \frac{1}{3^3} \times \dots \times \frac{1}{3^{256}} = \frac{1}{3} \left( \frac{1}{3} + \frac{1}{3} + \dots + \frac{1}{3} \right) = \frac{511}{256}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیر فنی، صفحه های ۷۴ تا ۹۴)

۲۰- گزینه ۲»

(آروین حسینی)

$$f(-1) = 12 \Rightarrow 2^{-a+b} - 4 = 12 \Rightarrow 2^{-a+b} = 16 \Rightarrow 2^{-a+b} = 2^4$$

$$\Rightarrow -a + b = 4 \quad (I)$$

$$3f\left(-\frac{2}{3}\right) = 12 \Rightarrow f\left(-\frac{2}{3}\right) = 4$$

از طرفی:

$$\Rightarrow \frac{2^{-a+b}}{3} - 4 = 4 \Rightarrow \frac{2^{-a+b}}{3} = 8 \Rightarrow 2^{-a+b} = 24 = 2^3$$

$$\Rightarrow -a + b = 3 \quad (II)$$

با حل دستگاه (I) و (II) مقادیر  $a$  و  $b$  را به دست می آوریم:

$$\begin{cases} -a + b = 4 \\ -\frac{2}{3}a + b = 3 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a - b = -4 \\ -\frac{2}{3}a + b = 3 \end{cases} \xrightarrow{+} \frac{a}{3} = -1$$

$$\Rightarrow a = -3, b = 1$$

بنابراین تابع  $f(x) = 2^{-3x+1} - 4$  است. حال مقدار  $f\left(\frac{1}{3}\right)$  را تعیین

می کنیم:

$$f\left(\frac{1}{3}\right) = 2^{-3\left(\frac{1}{3}\right)+1} - 4 = 2^0 - 4 = 1 - 4 = -3$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیر فنی، صفحه های ۹۷ تا ۱۰۲)



زبان و ادبیات فارسی

۲۱- گزینه «۲»

(شیوا نظری)

«الف» و «ب»: در قلمرو زبانی سبک خراسانی، لغات عربی (به‌جز اصطلاحات دینی و علمی) و لغات بیگانه در مقایسه با دوره‌های بعد کم‌ترند. در قلمرو زبانی سبک عراقی نیز ترکیبات نو به‌وفور دیده می‌شوند (رد گزینه‌های ۱ و ۴).

ج) این مورد مربوط به سبک عراقی است. ضمناً به «اصطلاحات» اشاره دارد و ممکن است گمان کنید مربوط به قلمرو زبانی است، اما باید دقت کنید که به محتوای این اصطلاحات اشاره مستقیم دارد و بنابراین در قلمرو فکری قرار می‌گیرد، نه زبانی (رد گزینه ۳).

د) «توصیف» ظاهراً امری ادبی است، اما دقت کنید که «توصیفات ساده و محسوس» در سبک خراسانی، برای توضیح «واقع‌گرا بودن» شعر آمده‌اند و در نتیجه، این عبارت به قلمرو فکری سبک خراسانی تعلق دارد.

ه) در این عبارت هم مستقیماً به «تشبیه» اشاره شده است که آرایه ادبی است (قلمرو ادبی). ضمناً در سبک خراسانی است که سادگی کلی شعر، اجازه کاربرد بیشتر تشبیه حسی را می‌دهد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲، ۶۳، ۸۴ و ۸۵)

۲۲- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

حکومت صفوی پس از کشاکش‌هایی در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود. به همین علت، شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف امور طبیعی و تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند.

«مشغول شدن شاعران به ثروت‌اندوزی»، خود نتیجه بی‌توجهی صفویان به شعر درباری (ستایشی) و عاشقانه‌های زمینی بود. این امر موجب شد شاعران مدیحه‌سرا راهی هند شوند که دربارهایی شبیه به دربارهای ایران قدیم داشت.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۲۳- گزینه «۲»

(شیوا نظری)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: سال‌های پس از جنگ، دوران اوج شکوفایی رمان‌نویسی در ایران بود که تقریباً در سراسر دهه هفتاد تا اوایل دهه هشتاد و پس از آن، گرایش به خاطره‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی رشد چشمگیری یافت.

گزینه «۳»: نویسندگان جناح دگراندیش دوره انقلاب، با دید جزئی‌نگر به تضادها و تناقض‌های روحی انسان معاصر پرداختند. ثبت خاطرات حماسه‌های دوران جنگ و عوالم معنوی آن یا پاره‌ای مفاهیم نوظهور اجتماعی، مرتبط با داستان‌نویسان مذهبی است.

گزینه «۴»: دو اثر «مدار صفر درجه» و «زمین سوخته»، نوشته احمد محمود هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۸ و ۷۹)

۲۴- گزینه «۴»

(مجتبی فرهادی)

کاربرد دستور تاریخی در ابیات قابل مشاهده است: «اندر کشیدیم» فعل پیشوندی است که در زبان کهن به کار می‌رفت و امروزه کاربرد ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: کنایه: «زبان اندر کشیدن» کنایه از سکوت کردن / جناس: «نیش» و «نوش» / تشبیه: تشبیه معشوق به سرو و ماه و همچنین برتری دادن بر آن‌ها (تشبیه تفضیل)

گزینه «۲»: اکثر واژگان ابیات، ساختمانی ساده دارند. گزینه «۳»: بیت اول: ارتباط با معشوق و ترک گفت‌وگو با دیگران / بیت دوم و سوم: تحمل سختی‌های راه عشق / بیت چهارم: تحسین زیبایی و قامت معشوق

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۶)

۲۵- گزینه «۳»

تشریح موارد نادرست:

(مجتبی فرهادی)

«الف»: دشمنی با استعمار و استبداد، یکی از موضوعاتی بود که در نثر روزنامه‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفت.

«ب»: ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی‌گریزی از ویژگی‌های شعر این دوره است.

«د»: در سال‌های نخستین، شعر دوره انقلاب اسلامی از تمثیل و نمادگرایی کمتر بهره گرفته است و شاعران به صراحت بیان روی آورده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۳، ۳۴، ۶۹، ۹۷ و ۹۹)

۲۶- گزینه «۲»

(مجتبی فرهادی)

سه بیت «الف»، «ج» و «د» از اشعار صائب تبریزی انتخاب شده‌اند که ویژگی‌های ادبی سبک هندی در آن‌ها مشهود است.

«الف»: حسن تعلیل: دلیل اینکه صبح، خورشید را همانند سپری همراه خود دارد، آمادگی برای مقابله با فتنه ایام دانسته شده است.

«ج»: اسلوب معادله: بیت دارای اسلوب معادله است، زیرا مصراع دوم مثالی برای روشن‌تر شدن مصراع اول است.

«د»: استفاده از ردیف‌های طولانی: کاربرد ردیف طولانی و خوش‌آهنگ از ویژگی‌های ادبی سبک هندی است که در این بیت دیده می‌شود. «به‌دست آمد مرا» ردیف این بیت است.

تشریح ابیات دیگر:

«ب»: آرایه استفاده‌شده در این بیت، استعاره است که از آرایه‌های رایج سبک هندی نیست. بیت از خواجوی کرمانی، از شاعران سبک عراقی است.

«ه»: در این بیت تشخیص وجود دارد و از آرایه‌های رایج دیگر سبک هندی در این بیت استفاده نشده است؛ ضمناً زبان بیت کهن است و با سبک هندی مطابقت ندارد. بیت از فرخی سیستانی، از شاعران سبک خراسانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۷- گزینه «۴»

تشریح گزینه‌های نادرست:

(مهم‌امین راداش‌فام)

گزینه «۱»: با خروج شعر از دربارها و ورود آن به خانقاه‌ها، دامنه موضوعات شعر گسترش یافت و بر قدرت عواطف، عمق افکار و سادگی بیان افزوده شد.

گزینه «۲»: «مضمون‌آفرینی» در شاخه‌های شعر این دوره جایگاهی نداشت و مربوط به سبک هندی است.

گزینه «۳»: این گزینه مربوط به سبک نثر این دوره می‌باشد، نه شعر.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

۲۸- گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

(یاسین مهریان)

گزینه «۱»: «چرند و پرند» نوشته «دهخدا» است.

گزینه «۲»: «منشآت» از «قائم‌مقام فراهانی» است.

گزینه «۴»: «ایده‌آل» اثر «میرزاده عشقی» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۷ تا ۲۱)



۲۹- گزینه ۲»

(رضا نوروزیگی)

در اندیشه ادیبان قرن‌های هفتم تا نهم هجری، صنایع ادبی جای تفکر را گرفت، اما چون استعدادهای بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، در کتاب‌های مصنوع و متکلف، بیشتر به ظاهرسازی و تصنع پرداختند و به استعاره‌های دور از ذهن و سجع‌های متوالی و بی‌روح روی آوردند.

سه گزینه دیگر از ویژگی‌های سبک هندی می‌باشند. گزینه‌های «۱» و «۴» مربوط به نثر سبک هندی و گزینه «۳» مربوط به شعر این سبک است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۹، ۸۳ تا ۸۵)

۳۰- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

در بیت گزینه «۴»، دو مصراع مصداقی از هم هستند.

در سایر ابیات، استقلال معنایی در هر مصراع دیده نمی‌شود.

**توضیح نکته درسی:**

هرگاه در مصراع دوم استعاره مصرحه‌ای وجود داشته باشد که مشابه آن در مصراع نخست مشهود باشد، اسلوب معادله منتفی است. (مثل گزینه‌های ۲ و ۳) (علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۱۱۴ و ۱۱۵)

۳۱- گزینه ۴»

(مسن اصغری)

تشبیه: تشبیه لب معشوق (سرچشمه نوش و مرجان) به نبات و آب حیات استعاره: سرچشمه نوش و مرجان جان‌افزا (استعاره از لب یار) جناس: آب (آبرو) آب (مایع خوراکی)

واج‌آرایی: تکرار واج‌های «م، ا، ی» در آغاز مصراع دوم، «مردۀ مرجان جان‌افزای تو»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۲- گزینه ۳»

(هومن نمازی)

«لعل» استعاره از لب است. در هر دو مصراع، تشبیه فشرده غیراضافی (اسنادی) وجود دارد: لعل مانند باده در قح است، مهر تو مانند گنج است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: «چشم میگون» تشبیه دارد / هیچ استعاره‌ای موجود نیست.

گزینه «۲»: «سروقدان» تشبیه درون‌واژه‌ای دارد.

گزینه «۴»: «شراب عشق» اضافه تشبیهی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۳- گزینه ۱»

(سیدعلیرضا اهمری)

مجاز: «یک عمر» مجاز از زمان طولانی / جناس: شیرین (بانوی ارمنی) و شیرین (گوارا) / ایهام تناسب: استفاده از واژه «شیرین» در مصراع دوم با معنای «گوارا» با وجود تناسب معنای ثانویه آن (شیرین‌بانو) با لقب فرهاد کوهکن / حس آمیزی: جان شیرین

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۴- گزینه ۱»

(یاسین مهریان)

اینکه صلح بتان، جنگ باشد: پارادوکس / فاقد مجاز

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: ایهام: «هوا»: ۱- هوس، ۲- فضا / تشبیه: چو پروانه ...

گزینه «۳»: مجاز به علاقه شباخت: «نرگس»: استعاره مصرحه از چشم و «غنچه»: استعاره مصرحه از لب / موازنه: کلمات روبه‌روی دو مصراع، با یکدیگر سجع متوازی و متوازن دارند.

گزینه «۴»: استعاره: «لعل» استعاره از لب / حس آمیزی: شیرین‌بانو (علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۵- گزینه ۴»

(سپهر غلام‌پور سیوکی)

الف) «دور از تو» ایهام دارد: ۱- از تو دور باشد ۲- دوری از تو ب) علت سخن گفتن عاشق درباره دیگران را این بیان کرده است که چون دیگران بر سر زبان او هستند، از آن‌ها حرف می‌زند؛ اما معشوق در درون جان او حضور دارد و از او سخن نمی‌گوید؛ که دلیل غیرواقعی برای بیان خود آورده است.

ج) «طره» قسمت جلویی مو است که مجاز از کل مو می‌باشد.

همچنین «بو» در این بیت ایهام دارد: ۱- در معنی «امید» ۲- در معنی «رایحه»

د) «چشم» و «دل» با «صحرائ پرآتش» و «دریای پرآب» لف و نشر می‌سازند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۳۶- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

معنای بیت «الف»: هر کسی که نام تو را بر زبان بگوید، مانند لاله خون جگر بر دهان می‌برد. (مشبه: هر کس / مشبه‌به: لاله) / معنای بیت «ب»: رسیدن به مجلس دریادلان ممکن نیست مگر اینکه با باره (اسب) خون مسیر را طی کنیم. (مشبه: خون / مشبه‌به: باره) / معنای بیت «ج»: وقتی بهرام از آن کاخ بیرون آمد، انگار از چشم او خون بارید (مشبه: خون / مشبه‌به محذوف: باران یا آسمان) / معنای بیت «د»: اکنون که شمشیر تو مانند ابر، خون می‌بارد، سراسر جهان مانند بوستان ارم شده است. (مشبه: تیغ / مشبه‌به: ابر)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۲۷)

۳۷- گزینه ۳»

(یاسین مهریان)

«رسید»: ردیف / «ی»: حرف الحاقی / «ام»: حروف اصلی؛ که طبق الگوی «مصوت + صامت» است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «ست»: ردیف / «ا»: حرف اصلی؛ که تنها یک مصوت بلند، اساس قافیه قرار گرفته است.

گزینه «۲»: «ی»: حرف الحاقی / «و»: حرف اصلی؛ که تنها یک مصوت بلند، اساس قافیه قرار گرفته است.

گزینه «۴»: «وست»: حروف اصلی؛ که طبق الگوی «مصوت + صامت + صامت» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۲)

۳۸- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

کلمات «طبیبان» و «غریبان» قافیه هستند. «ان» الحاقی است. «یب» نیز حروف اصلی قافیه می‌باشد و حرف روی، آخرین حرف مشترک حروف اصلی قافیه است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: «ن» حرف روی است. «ه» الحاقی می‌باشد.

گزینه «۲»: «ن» حرف روی است. «د» الحاقی می‌باشد.

گزینه «۳»: «ن» حرف روی است. مصوت بلند «ی» الحاقی می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه ۹۱)

۳۹- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا اهمری)

تغییر کمیت مصوتی در ابیات دیده نمی‌شود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در رکن دوم مصراع اول، اختیار «قلب» به کار رفته و رکن «مفاعیل»، تبدیل به «مفاعلن» شده است.

گزینه «۳»: وزن بیت، «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن» است؛ در پایان هر دو مصراع، رکن «فعلن»، تبدیل به «فعلن» شده است: ۲ ابدال توجه: در کلمه «مستی»، اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند وجود دارد. (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۱۸۵)

۴۵- گزینه «۴» (سیرعلیرضا امیری)

در سطر (بند) پنجم، حذف همزه دیده نمی‌شود. (علوم و فنون ادبی، قافیه، موسیقی شعر و بدیع، ترکیبی)

۴۶- گزینه «۱» (سیرمهمر هاشمی)

متن صورت سؤال، به شروع آفرینش و خلقت انسان اشاره دارد و مفهوم اصلی آن، «تجلی خداوند در مادیات و خلقت جهان» می‌باشد. در بیت گزینه «۱» نیز این مفهوم به روشنی دیده می‌شود.  
**بررسی گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۲»: تو در خلقت بی‌نظیر هستی.

گزینه «۳»: دلیل آفرینش جهان، تو بوده‌ای.

گزینه «۴»: تنها آدمی عشق الهی را درک می‌کند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۳۳)

۴۷- گزینه «۴» (سیرمهمر هاشمی)

در ابیات این گزینه، سرمستی عارفانه بر تعقل و هوشیاری برتری داده شده است (برتری عشق بر عقل).

**بررسی دیگر ابیات:**

«الف»: تمجید از قذ رعناى محبوب

«ج»: توصیف طبیعت و بوستان

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهومی، صفحه‌های ۲۳ و ۲۸)

۴۸- گزینه «۳» (سیرمهمر هاشمی)

در بیت این گزینه، گفته شده است که فراق و هجران، درمان‌پذیر نیست و عاشق چاره‌ای جز پذیرش درد تلخ هجران ندارد، اما در دیگر گزینه‌ها، مانند بیت صورت سؤال، گفته شده است با وجود آنکه فراق و هجران دشوار است، اما عاشق باید به آن تن دردهد، زیرا در نهایت، جان عاشق را پاک و ارزشمند می‌گرداند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۴۰)

۴۹- گزینه «۲» (مسن اصغری)

مفهوم مشترک شعر صورت سؤال و بیت گزینه «۳»: شکوه و نامیدی شاعر از اوضاع روزگار

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: توصیه به از بین بردن جهل و نادانی

گزینه «۲»: توصیف زیبایی فصل بهار و طبیعت

گزینه «۴»: ستایش تهنی دستی و آزادگی

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۱۰)

۵۰- گزینه «۳» (مسن اصغری)

بیت «ب» بیانگر «فرارسیدن دوران غم و ناخوشی» است و مفهوم مقابل آن، یعنی «سپری شدن دوران غم و ناخوشی»، در بیت «د» مطرح شده است.

**مفهوم سایر ابیات:**

بیت «الف»: تقابل عقل و عشق

بیت «ج»: توصیه به نیکی کردن

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۶۳)

گزینه «۲»: در هجای دوم رکن دوم مصراع اول = (یک استخوان) و در هجای دوم رکن اول مصراع دوم = (ز آن) و هجای آخر رکن آخر مصراع سوم = (به است)، حذف همزه دیده می‌شود.

گزینه «۳»: وزن رباعی قابلیت دسته‌بندی هجایی دوگانه را دارد.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۰- گزینه «۳» (هومن نمازی)

رکن پایانی این سروده، «فعلن» است نه «فعلن».

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۶)

۴۱- گزینه «۳» (سپاد غلام‌پور سیوکی)

وزن مشترک مصراع صورت سؤال و بیت گزینه «۳»، «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن» است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: وزن این بیت، «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است.

گزینه «۲»: وزن این بیت، «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن» است.

گزینه «۴»: وزن این بیت، «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۲- گزینه «۳» (مجتبی فرهادی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

گزینه «۲»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

گزینه «۴»: مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلاتن

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۳- گزینه «۱» (سیرعلیرضا علویان)

بیت دارای وزنی دوری و ۲۸ هجاست که شامل ۷ هجای کوتاه و ۲۰ هجای بلند و یک هجای کشیده (بدون اعمال اختیارات) می‌باشد. تقطیع بیت:

|     |     |   |   |    |    |     |
|-----|-----|---|---|----|----|-----|
| این | خان | ن | ی | رن | دا | نست |
| -   | -   | U | U | -  | -  | U-  |

|    |    |   |   |    |    |     |
|----|----|---|---|----|----|-----|
| هر | جا | ک | ر | سی | بن | شین |
| -  | -  | U | U | -  | -  | -   |

|    |    |   |   |    |     |     |
|----|----|---|---|----|-----|-----|
| ذر | مچ | ل | س | ما | نَب | وَد |
| -  | -  | U | U | -  | -   | -   |

|    |    |    |   |    |    |    |
|----|----|----|---|----|----|----|
| با | لا | یی | ی | پا | یی | نی |
| -  | -  | -  | U | -  | -  | -  |

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۷ تا ۴۹)

۴۴- گزینه «۴» (سیرعلیرضا امیری)

وزن بیت، «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن» است؛ در پایان هر دو مصراع، رکن «فعلن» تبدیل به «فعلن» شده است. همچنین در رکن دوم مصراع دوم، «فعلاتن» تبدیل به «مفعولن» شده است: ۳ ابدال

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: وزن بیت، «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن» است؛ در هر دو مصراع، «فعلاتن» در رکن دوم، تبدیل به «مفعولن» شده است: ۲ ابدال

گزینه «۲»: وزن بیت، «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن» است؛ در رکن دوم مصراع اول، «فعلاتن» تبدیل به «مفعولن» شده است؛ در رکن آخر مصراع دوم، «فعلن» تبدیل به «فعلن» شده است: ۲ ابدال



علوم اجتماعی

۵۱- گزینه ۳

(فاطمه صفری)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مربوط به مدل عدالت اجتماعی - صحیح - مدینه فاضله به عنوان جامعه سازمان یافته بر مبنای علم - صحیح  
گزینه ۲: صحیح - مربوط به رویکرد انتقادی - صحیح - علم فقه توصیف و تبیین نمی‌کند.  
گزینه ۴: مربوط به مدل لیبرالی - مربوط به رویکرد انتقادی - صحیح - هر دو انقلاب در قرن بیستم بودند.

(پایه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۷۶، ۹۳، ۱۰۲، III ۵ تا III ۱۱۳)

۵۲- گزینه ۳

(زینب آذری)

دانش علمی، دانش تخصصی، عمیق و پیشرفته است که با طرح مسئله‌های در جامعه و تلاش برای حل آن مسئله شکل می‌گیرد. بنابراین ساخت ساعت‌های پیشرفته براساس فناوری‌های نوین، مربوط به این دانش است. یکی از ویژگی‌های کنش، ارادی بودن آن است. جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از حد بر نظم و ساختارهای اجتماعی و یکسان انگاشتن نظم طبیعی و نظم اجتماعی، اراده و خلاقیت را از انسان‌ها می‌گیرد و انسان‌ها بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌هایی است، صرفاً آن را رعایت می‌کنند. انقلاب‌های جدید، شاهکارهای هنری و اندیشه‌های جدید با فراتر رفتن از نظم موجود و در پاسخ به رکود اراده‌ها مطرح شده‌اند. مطالعه موردی: یکی از روش‌های کیفی است که تمامی ابعاد پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کند و عمق پنهان و منحصر به فرد پدیده‌ها را نشان می‌دهد.

- رویکرد تفسیری:

موضوع: کنش اجتماعی و معنای آن / روش: تفسیر / هدف: معنا بخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی

(پایه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۵، ۳۷، ۵۰، ۵۱ و ۵۲)

۵۳- گزینه ۲

بررسی موارد نادرست:

جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را وارد قلمرو واقعی می‌کنند.

پدیده‌هایی که بیرون جهان اجتماعی هستند، به واسطه ارتباطشان با زندگی اجتماعی و جهان اجتماعی وارد جهان اجتماعی می‌شوند.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۲۳ و ۵۷)

۵۴- گزینه ۳

(ریحانه امینی)

ویژگی مقاومت منفی، همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه است.

شباهت حکومت تیرانی (استبدادی) و آلیگارش‌ی در شیوه حکومت آن‌هاست که هر دو براساس خواست و میل افراد هستند.

یکی از تفاوت‌های بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌گرا در تعریف آن‌ها از مفهوم بیداری است. بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند، اما برخلاف بیدارگران اسلامی، منورالفکران غرب‌گرا بیداری را بازگشت به اسلام نمی‌دانستند بلکه بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۲۱)

(پایه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پرید، صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۱۶)

۵۵- گزینه ۱

(آزیتا پیدقوی)

متفکران پسامدرن - ظرفیت توجیه علمی حضور جهانی سیاسی و اقتصادی جهان غرب را نداشتند.

پیامدهای اجتماعی گریز و رویگردانی از سکولاریسم - رونق بخشیدن به بازار معنویت‌های کاذب

بحران معرفتی نیمه اول قرن بیستم - محدود شدن علم به امور طبیعی

بحران معرفتی نیمه دوم قرن بیستم - زیر سؤال رفتن علم مدرن

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۲)

۵۶- گزینه ۲

(زینب آذری)

انسان در فیلم سینمایی عصر جدید به مثابه «شیء» دانسته شده است - مطابق رویکرد تبیینی

- انواع عقل در معنای خاص:

نظری - واقعیاتی را که مستقل از اراده انسان مانند قوانین فیزیک، فلسفه و ... به وجود می‌آیند شناسایی می‌کند.

عملی - واقعیاتی را که با دخالت و اراده انسان مانند عدالت، ظلم و ... به وجود می‌آیند، شناسایی می‌کند.

- نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰ م. در انگلستان و مهم‌ترین بحران اقتصادی در فاصله میان دو جنگ جهانی اول و دوم اتفاق افتادند.

- آگوست کنت، اسپنسر، دورکیم و مارکس جوامع بشری را به دو دسته تقسیم کردند.

جوامع ارگانیکی - تقسیم کار اجتماعی شکل نگرفته است یا در حد ساده و ابتدایی است. مانند تقسیم کار سنی و جنسی

جوامع مکانیکی - تقسیم کار گسترده وجود دارد.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۳۸)

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۲)

(پایه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۳۰ و ۱۱۸)

۵۷- گزینه ۴

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- عقلانیت در جهان اسلام با وجود تعامل با فرهنگ و سنت‌های تاریخی محیط خود، ارزش‌ها و اعتبار روشنگران خود را از متن فرهنگ و کنش‌های

عاملان نمی‌گیرد بلکه عاملان با استفاده از این عقلانیت به‌گونه‌ای مستقل به ارزیابی فرهنگ و تاریخ مربوط به خود می‌پردازند.

- علم اجتماعی جهان اسلام، علاوه بر تبیین وضعیت موجود جهان اسلام، درباره وضعیت مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی و همچنین جامعه جهانی نیز

داوری خواهد کرد و راه‌های برون‌رفت از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را شناسایی می‌کند.

- عقلانیت مورد استفاده در جهان اسلام علاوه بر آنکه با داده‌های حسی و تجربی و همچنین با هنجارها و ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی پیرامون خود تعامل فعال دارد آن‌ها را مورد ارزیابی انتقادی قرار می‌دهد.

(پایه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۱۶)

۵۸- گزینه «۴»

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صحیح - صحیح

گزینه «۲»: چالشی مقطعی بود - مربوط به عقل در معنای خاص است.

گزینه «۳»: صحیح - مربوط به عقل ابزاری است.

گزینه «۴»: هر دو قطب به فرهنگ غرب تعلق داشتند. - صحیح

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یونانی، صفحه ۸۱)

(پایه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

۵۹- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

- دیدگاه دوم در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند، بلکه خلق و بازسازی آن هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرومی‌پاشد.

- هنرمندان دوران رنسانس با بازگشت به هنر یونان، به ابعاد جسمانی و دنیوی انسان اهمیت دادند.

- دلایل کاهش اهمیت مرزهای سیاسی: انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و گسترش صنعت ارتباطات

- تقابل شمال و جنوب:

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح را کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب عملکرد کشورهای مرکزی، ضعیف و فقیر شده‌اند. براساس این نظریه، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند.

(پایه‌شناسی (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۴۸، ۶۸ و ۸۸)

(پایه‌شناسی (۳)، ذفیره دانشی، صفحه ۸)

۶۰- گزینه «۲»

(زینب آذری)

لمبروزو می‌خواست با مشاهدات ویژگی‌های جسمانی، مجرم بودن یا نبودن افراد را شناسایی کند.

تصمیم‌گیری درباره رفح اختلافات و تضادهای میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند، سیاست و عمل سیاسی را پدید می‌آورد.

انسان باتقوا جهانی را تغییر می‌دهد - تأثیر جهان نفسانی بر جهان اجتماعی

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۶۸)

(پایه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۲۸ و ۵۶)

۶۱- گزینه «۴»

(آزیتا بیدقی)

فرهنگ قرون وسطی تنها راه شناخت جهان را کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا می‌دانست و شناخت عقلی و تجربی را نادیده می‌انگاشت. این روش معرفتی در دوران رنسانس مورد تردید قرار گرفت و به‌تدریج به بحران معرفتی انجامید و وحی و شهود نادیده گرفته شد و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده شد.

غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ‌هاست.

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یونانی، صفحه ۹۹)

۶۲- گزینه «۲»

(آزیتا بیدقی)

نقد لیبرالیسم اقتصادی ← مارکس

عدم دخالت دولت و حکومت ← ریکاردو

نقد لیبرالیسم اولیه و آزادی مثبت و منفی ← آیزایابریلین

بر سر سفره گسترده طبیعت جایی برای فقر او وجود ندارد ← مالتوس

(پایه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یونانی، صفحه‌های ۷۷ و ۷۹)

۶۳- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

جهان متجدد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فرا تجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند از دست می‌رود و داوری درباره این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود. از این روند، به زوال معنا یاد می‌شود.

افزایش طلاق نوعی تعارض فرهنگی است. در تعارض فرهنگی شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی رواج می‌یابد.

برخی علوم انسانی و علوم اجتماعی را یکی می‌دانند. برخی دیگر موضوع علوم انسانی و علوم اجتماعی را همان امور انسانی و یکسان می‌دانند؛ ولی روش آن دو را متفاوت می‌دانند. این دسته، روش علوم اجتماعی (جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و ...) را همان روش علوم طبیعی، یعنی روش تجربی می‌دانند ولی روش علوم انسانی (برخی رشته‌های دانشگاهی مانند هنر، فلسفه علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی و ...) را روش‌های غیرتجربی می‌دانند.

تأکید افراطی بر ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن اراده و خلاقیت انسان‌ها به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، صرفاً آن را رعایت کنند.

(پایه‌شناسی (۱)، ترکیبی، صفحه‌های ۳۹ و ۹۲)

(پایه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۱۱ و ۳۷)

۶۴- گزینه «۳»

(آزیتا بیدقی)

شاهدی گویا برای حضور تاریخ‌ساز فرهنگ‌های غیرغربی ← انقلاب اسلامی ایران

در سخن گفتن با دیگری از زبان خود برای اصلاح یک رابطه ظالمانه استفاده می‌کنیم ← عقل انتقادی

پاشنه آشیل ایران اسلامی از دیدگاه برخی از کشورهای غربی ← اقتصاد

(پایه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۱۳۴)

(پایه‌شناسی (۲)، پایداری اسلامی و جهان پررید، صفحه ۱۳۰)

(پایه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۰۷)

۶۵- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد ناردست:

- اندیشه التقاطی، آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب مختلف به صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می‌شوند.

- کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد است.

(پایه‌شناسی (۱) و (۲)، ترکیبی، صفحه‌های ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۴ و ۱۲۹)

روان‌شناسی

۶۶- گزینه «۳»

(همیدرضا توکلی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: فرضیه است و گام اول نیست.

گزینه «۲»: در صورت تأیید شدن می‌تواند به اصل تبدیل شود و در نظریه‌ها جای بگیرد.

گزینه «۴»: فرضیه است و تا حدی سنجیده است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورر مطالعه، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۶۷- گزینه «۱»

(فرهار علی‌نژاد)

فرضیه پاسخ اولیه پژوهشگران به مسائل علمی است. پس اولاً بایستی گزاره‌ای خبری داشته باشیم و ثانیاً، این گزاره خبری باید قابل آزمایش با روش تجربی باشد. هر سه عبارت گزینه‌های «۲ تا ۴» این شرایط را دارند. در مورد گزینه «۳» دقت کنید که حتی اگر فقط بخش دوم جمله (بخش سلبی) را هم داشتیم، باز هم این گزاره می‌توانست فرضیه باشد؛ چراکه اگر بگوییم «فلان امر درست نیست» هم باز جمله‌ای خبری است. ضمناً اثبات شدن یک امر در علوم تجربی (امری مانند طبقه‌بندی موضوعی خاطرات) دلیل بر واقعیت متقن بودن آن نیست. چه‌بسا نظراتی که در علوم تجربی پذیرفته شده بودند، اما با گذشت زمان رد شده‌اند.

در گزینه «۱» قطعیتی در جمله دیده می‌شود که با «فرضی بودن» فرضیه منافات دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورر مطالعه، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۶۸- گزینه «۱»

(همیدرضا توکلی)

گزاره اول به رشد شناختی و حافظه و ثبت شیء در ذهن اشاره دارد.

گزاره دوم به ترس از غریبه و رشد اجتماعی اشاره دارد.

پس گزینه «۱» پاسخ صحیح است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۸، ۵۰ و ۵۱)

۶۹- گزینه «۲»

(فرهار علی‌نژاد)

هرگاه پردازش صرفاً مبتنی بر ویژگی‌های حسی، مانند اندازه، حجم و شکل ظاهری باشد، پردازش ادراکی است، ولی اگر علاوه بر ویژگی‌های ظاهری، به ویژگی‌های کیفی و مفاهیم هم توجه شود، پردازش مفهومی خواهد بود. سوگل محتوای کتاب برایش مهم نیست و فقط رنگ کتاب را ملاک قرار داده است. در باقی گزینه‌ها یا فقط به ویژگی‌های کیفی و مفاهیم توجه شده است، یا هم به ویژگی‌های کیفی و هم ویژگی‌های ظاهری.

در مورد گزینه «۴»: در این گزینه هم پردازش مفهومی است، زیرا بالاخره شخص با تمثیل (درازشدن دماغ پینوکیو) به بدبودن دروغ پی برده است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۸)

۷۰- گزینه «۲»

(مهروی ماهری)

در موقعیت‌های اعلام خطای پنالنتی داور ۲۸ بار اعلام خطا کرده یعنی فارغ از وقوع یا عدم وقوع خطا (حضور یا غیاب محرک) سوت زده است. با توجه به ۳ مرتبه اعلام خطای اشتباه (هشدار کاذب)، ۲۵ مرتبه اصابت داشته است. همچنین او ۵ مرتبه متوجه تمارض بازیکن (غیاب محرک خطای پنالنتی) شده و سوت زده است (رد درست) و ۶ مرتبه خطای پنالنتی (حضور محرک) از دید او پنهان مانده است (از دست دادن محرک). با توجه به اطلاعات نامبرده، جدول زیر به دست می‌آید.

| ردیابی نشدن علامت |                           | ردیابی علامت |                            |
|-------------------|---------------------------|--------------|----------------------------|
| حضور محرک         | اصابت (تصمیم درست)        | ۲۵           | از دست دادن (تصمیم نادرست) |
| غیاب محرک         | هشدار کاذب (تصمیم نادرست) | ۳            | رد درست (تصمیم درست)       |

مجموع تصمیم‌های درست داور در این جدول (یعنی مجموع حالات اصابت و رد درست) ۳۰ مرتبه بوده و مجموع تصمیم‌های نادرست او (یعنی مجموع حالات هشدار کاذب و از دست دادن) ۹ مرتبه بوده است.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ارراک، صفحه ۷۷)

۷۱- گزینه «۴»

(همیدرضا توکلی)

در این فرض یادآوری غیرواقعی رخ داده است؛ پس گزینه «۴» درست است.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)

۷۲- گزینه «۳»

(فرهار علی‌نژاد)

| زمان بازیابی            | ظرفیت (گنجایش آندوزش) | نوع رمزگردانی       | حافظه حسی           |
|-------------------------|-----------------------|---------------------|---------------------|
| حدود نیم‌ثانیه          | نامحدود               | حسی                 | حافظه حسی کوتاه‌مدت |
| چند دقیقه               | ۵ تا ۹ ماده           | حسی (همراه با توجه) | حافظه بلندمدت       |
| از چند دقیقه تا آخر عمر | نامحدود               | عمدتاً معنایی       |                     |

رده‌بندی حافظه‌ها براساس زمان بازیابی (از کم به زیاد): ۱- حافظه حسی

۲- حافظه کوتاه‌مدت ۳- حافظه بلندمدت

رده‌بندی حافظه‌ها براساس گنجایش (از کم به زیاد): ۱- حافظه کوتاه‌مدت

۲- حافظه‌های حسی و بلندمدت

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۷)

۷۳- گزینه «۲»

(مهروی ماهری)

با توجه به شاخص‌های (۱) شناسایی موقعیت اولیه (۲) فهرست اقدامات یا راهبردهای در دسترس (۳) تعریف دقیق هدف (۴) امکان تضمین دستیابی یا عدم دستیابی به هدف، مسائل به دو دسته خوب‌تعریف‌شده و خوب‌تعریف‌نشده تقسیم می‌شوند.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۸)

۷۴- گزینه «۴»

(مهسا عفتی)

روش‌های تحلیلی برای مسئله، از قواعد مشخصی تبعیت می‌کنند. روش مهروی از نوع اکتشافی است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۲۴ و ۱۲۵)

۷۵- گزینه «۴»

(فرهار علی‌نژاد)

کنترل نکردن هیجانات یکی از موانع تصمیم‌گیری صحیح است. افراد مختلف واکنش‌های هیجانی متفاوتی در ما ایجاد می‌کنند. این واکنش‌های عاطفی زودگذرند و به همین دلیل نباید ملاک تصمیم‌گیری قرار گیرند. مینا مبنای

زبان عربی

۸۱- گزینه ۲

(پهروز و بان- گرانگن)

«لا یَحْرَنْک»: نباید تو را اندوهگین کند (رد گزینه‌های ۱ و ۳؛ فعل نهی غایب است و با «نباید» و به صورت التزامی ترجمه می‌شود) / «قُولْهُمْ»: سخنشان، سخن آن‌ها / «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»: زیرا ارجمندی همه از آن خداست (رد گزینه‌های ۳ و ۴؛ در عبارت فارسی، کلمه «فقط، تنها» اضافی است)

(ترجمه)

۸۲- گزینه ۴

(اسماعیل علی پور)

«إِسْتَعْلَت»: شعله‌ور شد / «النَّارُ»: آتش / «فِي وَكُنَاتِ الطَّيُورِ»: در لانه‌های پرندگان (رد سایر گزینه‌ها) / «جاء»: آمد (رد گزینه ۱) / «العصفورُ»: گنجشک / «لَكِي يَسْتَعْيَبُ»: تا کمک بخواد (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۸۳- گزینه ۱

(ولی بریی- ابور)

«يَحْيِرُنِي»: مرا حیران می‌کند، حیرانم می‌کند (رد گزینه ۳) / «لَكِي يَدْخُلُ»: تا وارد شود (رد گزینه ۴) / «يبدأ»: شروع کند (رد گزینه ۲) / «فيه»: در آن (رد گزینه ۲) / «بقايا الطَّعامِ»: (ترکیب اضافی) باقیمانده‌های غذا (رد گزینه ۴) / «فمه»: دهانش، دهان او در گزینه ۳، «از دیدن» اضافه است و در عبارت عربی معادلی ندارد.

(ترجمه)

۸۴- گزینه ۱

(پهروز هیدرکی)

«الدلافین» مبتدأست (رد گزینه ۲) / «المليحة»: بانمک (رد گزینه ۳) / «الذکية» صفت «الحيوانات» است (رد گزینه ۴) / «تؤدّي»: ایفا می‌کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «فی العالم»: در جهان (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۸۵- گزینه ۱

(سیره مویا مؤمنی)

«تلوث الجو»: آلودگی هوا (ترکیب اضافی است؛ رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «الأمطار الحمضية»: باران‌های اسیدی (رد گزینه ۲) / «یهدّد»: تهدید می‌شود (فعل مجهول است؛ رد گزینه ۳) / ضمیر «ها» در «یها» به «الأمطار الحمضية» برمی‌گردد، نه به «تلوث الجو»، پس ترجمه به صورت «آلودگی جو» که با آن نظام طبیعت تهدید می‌شود... کاملاً نادرست است. (رد

گزینه ۴)

(ترجمه)

تصمیم‌گیری‌اش را «حسادت» و «رشک‌ورزی» به دخترخاله‌اش گذاشته است که واکنشی هیجانی است. هرچند در گزینه ۴ گفته شده مینا از بی‌چگی این حسادت را داشته است، اما باز هم این واکنش هیجانی نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری درست باشد. منظور از زودگذربودن هیجانات این نیست که چقدر طول می‌کشند، بلکه این است که در لحظه تصمیم‌گیری به صورت زودگذر بروز می‌کنند و مانع تصمیم‌گیری منطقی می‌شوند. وگرنه شاید یک احساس یا هیجان در تمام طول زندگی شخص تداوم داشته باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: کوچک شمردن خود

گزینه ۲: اعتماد افراطی

گزینه ۳: سوگیری تأیید

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۹ و ۱۵۰)

۷۶- گزینه ۲

(ممیرضا تولکی)

در مورد اول، بیماری و تأمین نشدن نیاز، هر دو منفی‌اند. در مورد دوم، یکی منفی و دیگری مثبت است. در مورد سوم، فرد به هر دو گرایش دارد.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱ تا ۱۵۳)

۷۷- گزینه ۱

(مهوی باهدی)

زمانی که علت واقع‌های درون فرد ادراک شود، اسناد درونی و زمانی که علت بیرون از فرد ادراک شود با اسناد بیرونی مواجهیم. استعداد ژنتیکی علتی درون فرد بوده پس اسناد مهدی درونی و بسترهای جامعه، حمایت خانواده و تشویق دوست هر سه بیرون از فرد هستند، پس سعیده و محمد و سمیه اسناد بیرونی دارند. همچنین استعداد ژنتیکی به صورت پایدار ادامه خواهد داشت اما بسترهای جامعه، پشتیبانی عاطفی خانواده و تشویق‌های دوستان پایدار هستند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۷۴ تا ۱۷۶)

۷۸- گزینه ۴

(موسا عفتی)

اگر اهداف را بسیار کوچک و بی‌ارزش و زودگذر انتخاب کنیم، هرگز انگیزه تلاش و عمل ایجاد نمی‌شود؛ زیرا از انجام آن‌ها احساس ارزشمندی، افتخار و غرور نمی‌کنیم.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه ۱۶۸)

۷۹- گزینه ۱

(مهوی باهدی)

با شروع اضطراب مرگ در احمدرضا سردردهای او نیز شروع شده است. پس علت عامل روانی و پیامد بیماری جسمانی است. همچنین خشم احمدرضا علامت هیجانی و نداشتن تمرکز او علامت شناختی است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۱۹۱)

۸۰- گزینه ۱

(موسا عفتی)

فعالیت بدنی و ورزش کردن می‌تواند به افراد کمک کند و باعث بی‌توجهی آن‌ها به فشار روانی گردد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۲۰۰)

۸۶- گزینه ۳»

(ولی برمی - ایهر)

در گزینه ۳، «أثاروا» فعل ماضی است که به اشتباه مضارع ترجمه شده و نادرست است؛ «أثاروا» باید به صورت (برانگیختند) ترجمه شود. فعل‌هایی مانند «أقام، أجاب، أثار» همگی ماضی هستند که مضارع آن‌ها «یقیم، یجیب، یثیر» می‌شود.

(ترجمه)

۸۷- گزینه ۴»

(بهروز هیررکی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: چون «نجوم» به شکل مرفوع (و نه منصوب) آمده، پس «نجوم» نائب فاعل است و «لا تُشاهد» باید مجهول باشد ← دیده نمی‌شود؛ اگر قرار بود «نجوم» مفعول و منصوب باشد، به شکل «نجوماً» نوشته می‌شد. گزینه ۲: تُفَرِّزُ ← ترشح می‌کنند / مَطْهَرًا ← پاک‌کننده

گزینه ۳: قد + ماضی ← ماضی نقلی، پس: قد أنشد ← سروده‌اند

(ترجمه)

۸۸- گزینه ۴»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه ۴، «هدد» به صورت ماضی نامناسب است؛ شکل صحیح آن «قد یهدد» است. هم‌چنین معادل عربی «کشتن حیوانات» به صورت «قتل الحيوانات» صحیح است. (موت: مرگ، مردن)

(ترجمه)

**ترجمه متن درک مطلب:**

صبر مصداق بارزی از مصادیق استفاده از اراده انسانی است. فرد دارای اراده قوی می‌تواند صبر پیشه کرده و تلخی و شیرینی صبر را تحمل نماید. شایان ذکر است که دو نوع صبر وجود دارد: صبر بدون هیچ کاری، و صبر بر کار و ادامه دادن آن، و صبر بدون کار همان ترک مسئولیت‌ها و تکالیف است، اما صبر همراه با کار، همان صبر واقعی است. گاهی فرد بر یک کار صبر پیشه می‌کند و تکمیلش می‌کند، اما گاهی صبر را از دست می‌دهد و نمی‌تواند زنجیره کارهایش را در روزش یا عمرش پیگیری کند، پس شکست می‌خورد، پس انسان باید بر یک کار صبر کند، علاوه بر این، صبر بر انجام زنجیره کارهای دیگر که یک کار واحد، حلقه‌ای از آن‌هاست، واجب می‌باشد. گفته می‌شود امپراطور چین از جوانی درباره راز پیروزی و خوشبختی‌اش پرسید، پس جوان گفت: صبر صبر..... و کلمه صبر را صد بار تکرار کرد!

۸۹- گزینه ۲»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

«صبر بدون کار، ممکن است به فرد سود برساند، اما بهتر است که صبر همراه با کار باشد!» عبارتی نادرست است. (صبر بدون کار، مفید نیست!)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: محصولات را تنها بعد از اینکه برای مدتی مشخص صبر کنیم، می‌توانیم درو کنیم، و کارها همه این‌گونه‌اند!

گزینه ۳: کارها در زندگی به عنصر صبر نیاز دارند، چه بزرگ باشند و چه کوچک!

گزینه ۴: اراده انسان در صبر بر چیزی که در طول زندگی به آن می‌پردازد، پدیدار می‌شود!

(درک مطلب)

۹۰- گزینه ۱»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

صورت سؤال، گزینه نادرست را درباره جوان چینی خواسته است؛ «صبر تنها عامل موفقیت او در زندگی است!» عبارت نادرستی است. (عوامل دیگری نیز در مسیر موفقیت مؤثراند.)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۲: او بر کارش و ادامه‌دادن آن، واقعاً صبر پیشه می‌کرد!

گزینه ۳: صبر در کار و رفتار و سخن او نیز آشکار می‌شود!

گزینه ۴: او مسیرش را به سمت موفقیت ادامه داد درحالی که رازهای موفقیت را دریافته بود!

(درک مطلب)

۹۱- گزینه ۴»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

صورت سؤال، موضوعی را می‌خواهد که در متن ذکر نشده باشد:

**تشریح گزینه‌ها:**

گزینه ۱: کدام صبر به خوشبختی منجر می‌شود؟!

گزینه ۲: کدام صبر مطلوب است؟!

گزینه ۳: افراد موفق چگونه زنجیره کارها را ادامه می‌دهند؟!

گزینه ۴: انسان چگونه توانایی صبر کردن را به دست می‌آورد؟! (واضح است که در مورد این موضوع در متن صحبت نشده است.)

(درک مطلب)

۹۲- گزینه ۲»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه ۲، «مصدره: اقتران» نادرست است؛ «المقرون» اسم مفعول بر وزن «مفعول» است، پس از مصدر مجرد ثلاثی گرفته شده و ذکر مصدر مزید برای آن، نادرست است.

(تعلیل صرفی و اعراب)

۹۳- گزینه ۳»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه ۳، «مزید ثلاثی ...» نادرست است؛ «یقال» فعل مضارع مجهول از (قال - یقول) و مجرد ثلاثی است. همچنین «الجملة اسمیة» نیز نادرست است.

(تعلیل صرفی و اعراب)

۹۴- گزینه ۳»

(ممبرضا قائن‌امینی - اصقحان)

در این گزینه، «تبادل» و «العالم» نادرست هستند و به جای آن باید «تبادل» و «العالم» بیابند؛ زیرا «تبادل» مصدر ثلاثی مزید از باب «تفاعل» و «العالم» (به معنی: دنیا، جهان) با توجه به مفهوم جمله، مناسب هستند.

**نکات مهم درسی:**

به تشابه ظاهری میان افعال ماضی ثلاثی مزید در باب‌های «تَقَعَل و تَفَاعَل» با اسم مصدر آن، بسیار دقت کنید.

(ضبط حرکات)

۹۵- گزینه «۳»

(اسماعیل علی‌پور)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پشیمانی بر سکوت بهتر از پشیمانی بر سخن گفتن است. (بیت فارسی هم همین مفهوم را دارد).

گزینه «۲»: آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید در حالی که خود را فراموش می‌کنید؟ (بیت فارسی هم مفهوم مشابهی دارد).

گزینه «۳»: بگو سود و زیانی برای خود ندارم مگر آنچه خدا خواسته است. (مفهوم بیت فارسی متناسب نیست؛ بیت فارسی می‌گوید دنیا گاهی برای اهل دنیا سود دارد و گاهی نیز ناگزیر ضرر به بار می‌آورد).

گزینه «۴»: دشمنی شخص دانا بهتر از دوستی نادان است. (با بیت فارسی داده شده هم‌مفهوم است).

(مفهوم)

۹۶- گزینه «۳»

(مهمیرضا قانزادینی - اصفهان)

نکات مهم درسی:

اسم افعال ناقصه از نظر اعراب، همواره مرفوع است.

مضاف‌الیه از نظر اعراب، همواره مجرور است.

در اسامی جمع مذکر سالم، «واو» نشانهٔ رفع و «یاء» نشانهٔ نصب یا جرّ است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مزرعة» و «کبيرة» نادرست است و به جای آن باید «مزرعة» و «کبيرة» بیاید؛ زیرا به ترتیب نقش «اسم افعال ناقصه» و «صفت» را دارند.

گزینه «۲»: «بساتین» و «المؤمنون» نادرست است و به جای آن باید «بساتین» و «المؤمنین» بیاید؛ زیرا به ترتیب نقش «مبتدا» و «صفت برای مضاف‌الیه» را دارند.

گزینه «۴»: «حاضرأ» نادرست است و به جای آن باید «حاضر» بیاید؛ زیرا نقش «خبر لای نفی جنس» را دارد.

(قواعد اسم)

۹۷- گزینه «۴»

(مهمور بازرین)

صورت سؤال، اسم نکره‌ای را خواسته است که به صورت معرفه ترجمه شود.

نکات مهم درسی:

اگر در جملهٔ اسمیه، خبر به صورت اسمی نکره و بدون صفت و وابسته بیاید، اسم نکره به صورت معرفه ترجمه می‌شود.

در گزینه «۴»، «قائمة» اسم نکره‌ای است که نقش خبر را دارد، وابسته‌ای هم برای آن وجود ندارد، پس به صورت معرفه ترجمه می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أشخاص، سَیّاحاً، أرض» اسم‌های نکره‌ای هستند که از قاعدهٔ بالا تبعیت نمی‌کنند و به صورت نکره ترجمه می‌شوند.

(قواعد اسم)

۹۸- گزینه «۴»

(سیده مهیا مؤمنی)

خبر «کان» در گزینه «۴»، «مسروراً» می‌باشد که به صورت یک اسم آمده است. (ترجمهٔ عبارت: دانش‌آموزی که به درجات بالایی رسیده، خوشحال بود!)

در سایر گزینه‌ها، خبر «کان» به ترتیب: «حصّد، قد إقترحواء، یسمع» است که همگی از نوع فعل هستند.

(انواع هملاط)

۹۹- گزینه «۳»

(سید ممبرعلی مرتضوی)

در عبارت داده شده، «إله» منادا است، پس باید عبارت را به صورتی کامل کنیم که برای اسلوب ندا مناسب باشد؛ در گزینه «۳»، جملهٔ «مرا با وجود اشتباهاتم استجابت می‌کند» سبک و سیاق غایب دارد و نمی‌تواند برای جای خالی مناسب باشد.

ترجمهٔ سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «۱» بدنم را از درد پاک کن و مرا شفا ببخش!

گزینه «۲»: «۲» می‌ترسم از گناهایی که فراموششان کرده‌ام درحالی که تو فراموششان نکرده‌ای!

گزینه «۴»: «۴» چیزی را به من تحمیل نکن که هیچ توانی بر آن ندارم!

(اسلوب ندا)

۱۰۰- گزینه «۲»

(ولی بریی - ابرو)

«إثارة» مفعول مطلق تأکیدی است که فعل خود (یُثیر) را مورد تأکید قرار داده است و پس از آن نیز صفت یا مضاف‌الیهی به کار نرفته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «۱» مفعول مطلق وجود ندارد و «مُطیعاً» حال است. (ضمناً «مُطیعاً» اصلاً مصدر نیست).

گزینه «۳»: «۳» «تفریقاً» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن جمله وصفیهٔ «یُزعج» به کار رفته است. (جمله وصفیه همان صفت است که به صورت فعل به کار می‌رود و اسم نکره‌ای را که قبل از خود آمده است، توضیح می‌دهد).

گزینه «۴»: «۴» «نوماً» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن صفت به کار رفته است.

(مفعول مطلق)

تاریخ

۱۰۱- گزینه «۳»

(پواد میربلوکی)  
در دوره ساسانیان، گاه‌شماری اوستایی، که گاه‌شماری دینی زرتشتیان محسوب می‌شد، در ایران رایج بود. مبدأ گاه‌شماری اوستایی به تخت نشستن هر پادشاه بود.

رومیان در آغاز، گاه‌شماری دقیقی نداشتند، به همین دلیل در سال ۴۶ ق.م امپراتور روم (ژولیوس سزار)، دستور داد گاه‌شماری رومی براساس گاه‌شماری مصری اصلاح شود.

(تاریخ (۱)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۵)

۱۰۲- گزینه «۱»

(پواد میربلوکی)  
**بررسی سایر گزینه‌ها:**  
گزینه «۲»: چین با بورش‌های پیاپی اقوام کوچرو در مرزهای شمالی روبه‌رو بود.

گزینه «۳»: به تدریج حاکمان محلی تحت فرمان یک دودمان قرار گرفتند و سلسله‌های حکومتی در این سرزمین به‌وجود آمد.

گزینه «۴»: این سلسله‌ها تا قرن‌ها نوانستند چین را از نظر سیاسی و جغرافیایی به طور کامل متحد و یکپارچه کنند.

(تاریخ (۱)، جوان در عصر باستان، صفحه ۴۷)

۱۰۳- گزینه «۳»

(پواد میربلوکی)  
سنگ‌نوشته شاپور یکم در کعبه زرتشت در نقش رستم به شرح جنگ‌های این پادشاه با رومیان اشاره دارد. این سنگ‌نوشته که رویدادهای تاریخی را گزارش می‌کند، از دوره ساسانی بر جای مانده است.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۶۸)

۱۰۴- گزینه «۴»

(پواد میربلوکی)  
داریوش بزرگ به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۵)

۱۰۵- گزینه «۴»

(پواد میربلوکی)  
داعیان عباسی، کانون فعالیت‌های خود را مناطق دور از مرکز خلافت، به‌خصوص خراسان که گرفتار درگیری قبیله‌های مهاجر عرب بود، قرار داده بودند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۶۳)

۱۰۶- گزینه «۳»

(زهره دامپار)  
پس از سقوط تیسفون، بقایای ارتش ساسانی در جلولا گرد هم آمدند و با مهاجمان جنگیدند، اما شکست خوردند و بسیاری از آنان کشته شدند (۱۶ ق).

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

۱۰۷- گزینه «۱»

(پواد میربلوکی)  
**بررسی موارد نادرست:**  
الف) روابط حکومت علویان طبرستان با خلافت عباسی، همواره خصوصت‌آمیز بود.

د) مرداوچ (زیاریان) خیال حمله به بغداد و نابودی خلافت عباسی را در سر می‌پروراند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۱۰۸- گزینه «۱»

(پواد میربلوکی)  
در عصر ایلخانان، هنر نگارگری که تلفیقی از سنت‌های نقاشی ایرانی و چینی بود، بیشتر در کتاب‌آرایی و مصور ساختن کتاب‌های تاریخی و متون ادبی و نیز کتاب‌های پزشکی، جانورشناسی و نجوم جلوه‌گر شد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۱۲۸ و ۱۲۹)

۱۰۹- گزینه «۲»

(پواد میربلوکی)  
براساس اندیشه انسان‌گرایی، هدف آموزش و پرورش، تربیت دانشمندان برجسته نبود، بلکه می‌خواستند شهروندانی را تربیت کنند که نقش سودمندی در جامعه ایفا کنند و در حیات شهری فعال باشند.

(تاریخ (۲)، اروپا در قرون وسطا و عصر جدید، صفحه ۱۷۹)

۱۱۰- گزینه «۲»

(پواد میربلوکی)  
نخستین کسی که واقعیت قتل امیرکبیر را بازتاب داده است، (میرزا محمدجعفر خورموجی) تاریخ‌نویسی سنتی را به شیوه علمی نقد کرد. (میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده)

یکی از پیشگامان انتقاد به تملق و متکلف‌نویسی است. (خاوری شیرازی)

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۱۱- گزینه «۳»

(زهره دامپار)  
بناهای کارت‌پستالی، بیشتر به تقلید از بناهای اروپایی ساخته می‌شدند که در آن عناصر و ویژگی‌های معماری ایرانی و اروپایی ترکیب شده بود.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه ۵۹)

۱۱۲- گزینه «۱»

(علی‌محمد کریمی)  
در قرارداد جدید، سهم ایران نسبت به قرارداد قبلی اندکی افزایش یافت.

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران، صفحه ۱۱۶)

۱۱۳- گزینه «۴»

(علی‌محمد کریمی)  
تهاجم به داخل خاک ایران پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، از جمله مهم‌ترین اقدامات مجاهدین خلق در دوران دفاع مقدس است.

(تاریخ (۳)، جنگ تمیمی و دفاع مقدس، صفحه‌های ۱۶۱ و ۱۶۲)

**جغرافیا**

**۱۱۴- گزینه «۱»**

(فاطمه سقایی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: در پاسخ به سؤال «چطور» مطرح می‌شود.

گزینه «۳»: در پاسخ به سؤال «چه کسی» و «چه کسانی» مطرح می‌شود.

گزینه «۴»: در پاسخ به سؤال «چه موقع» مطرح می‌شود.

(یغرافیای ایران، یغرافیا پیست، ص ۸)

**۱۱۵- گزینه «۱»**

(فاطمه سقایی)

دریاچه‌های فصلی، در فصول پربارش وسعت بیشتری پیدا می‌کنند، ولی در ماه‌های گرم و یا در سال‌های کم بارش به دلیل تبخیر آب آن‌ها خشک شده یا به شکل باتلاق و شورزار در می‌آیند.

(یغرافیای ایران، یغرافیای طبیعی ایران، ص ۵۶ تا ۵۹)

**۱۱۶- گزینه «۴»**

(فاطمه سقایی)

در هرم سنی کشور فرضی صورت سؤال، بین نسبت سنی و جنسیتی تعادل برقرار است. میزان رشد مولد در این کشور بالا است. در این کشور درصد جمعیت فعال اقتصادی بیشتر است؛ بنابراین سیاستمداران باید برای آموزش و ایجاد فرصت‌های تحصیلی، تفریحی و رفاهی جوانان برنامه‌ریزی کنند.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، ص ۶۷ و ۶۸)

**۱۱۷- گزینه «۴»**

(زهرا رامیار)

نواحی فقط تحت تأثیر روابط معمول انسان‌ها و محیط طبیعی نیستند؛ بلکه حکومت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در زمینه اقتصاد، اشتغال و توزیع درآمد نیز به شدت بر نواحی تأثیر می‌گذارند. برای مثال برنامه‌ریزی یا تصمیم‌های یک دولت برای ایجاد ناحیه گردشگری و پارک‌های ملی یا صنعتی، توسعه کشاورزی در یک ناحیه، انتقال اجباری ساکنان یک ناحیه به ناحیه دیگر، وقوع جنگ بین حکومت‌ها و نظایر آن، می‌تواند موجب حفظ، تغییر یا تخریب نواحی طبیعی و انسانی شود و چشم‌اندازها و فضاهای جغرافیایی متفاوتی ایجاد شود.

(یغرافیا (۲)، ترکیبی، ص ۱۱ تا ۱۴ و ۱۲۳)

**۱۱۸- گزینه «۴»**

(فاطمه سقایی)

از دریافت نامساوی انرژی خورشید بر سطح زمین، مناطق گرم، معتدل و سرد پدید می‌آید.

پراکندگی کانون‌های فشار بر روی کره زمین، از عوامل مهم گردش عمومی هوا و تغییرات آب و هوای نواحی است و محدوده نواحی حاره‌ای، جنب حاره‌ای، معتدل و قطبی را ایجاد می‌کند.

(یغرافیای (۲)، نواحی طبیعی، ص ۲۶)

**۱۱۹- گزینه «۳»**

(زهرا رامیار)

در هوازدگی شیمیایی، ساختمان کانی‌ها و ترکیب شیمیایی سنگ‌ها نیز تغییر می‌کند. اکسیژن و رطوبت از عوامل مهم هوازدگی شیمیایی هستند. آب و هوای گرم و مرطوب سرعت و شدت هوازدگی را افزایش می‌دهد.

(یغرافیای ایران، یغرافیای طبیعی ایران، ص ۴۱)

(یغرافیا (۲)، نواحی طبیعی، ص ۴۱)

**۱۲۰- گزینه «۲»**

(زهرا رامیار)

امروزه صاحبان اغلب مزارع تک‌محصولی تخصصی (پلانتیشن‌ها) شرکت‌های بزرگ، به ویژه شرکت‌های چندملیتی هستند؛ زیرا این‌گونه مزارع به سرمایه‌گذاری زیادی نیاز دارند. شرکت‌های چندملیتی شرکت‌هایی هستند که معمولاً بخش مرکزی آن‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد و شعبه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ آن‌ها در سایر نواحی ایجاد شده‌اند. این شرکت‌ها در خارج از مرزهای کشور مبدأ فعالیت می‌کنند. این شرکت‌ها که عمدتاً آمریکایی و اروپایی هستند، با احداث این مزارع در کشورهای نواحی استوایی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از نیروی کارگر و ارزان قیمت آن‌ها در مزارع خود بهره می‌برند. برخی از این شرکت‌ها سالیانه میلیاردها دلار از تولید و صدور این محصولات، سود به دست می‌آورند.

(یغرافیا (۲)، نواحی انسانی، ص ۹۲، ۱۰۶ و ۱۰۷)

**۱۲۱- گزینه «۴»**

(فاطمه سقایی)

نواحی که نظام مدیریت ویژه و مخصوص به خود را دارند، شامل نواحی خودمختار و مناطق آزاد تجاری هستند. از نواحی خودمختار جهان می‌توان به نخجوان در جمهوری آذربایجان اشاره کرد که در نقشه آمده است.

(یغرافیا (۲)، نواحی سیاسی، ص ۱۱۹)

**۱۲۲- گزینه «۲»**

(فاطمه سقایی)

در برخی از بخش‌های جهان در نتیجه گسترش فوق‌العاده زیاد دو یا چند مادرشهر در امتداد مسیرهای ارتباطی و حمل و نقل، زنجیره‌ای از مادرشهرها یا کلان‌شهرها پدید آمده‌اند که به آن‌ها مگالاپلیس گفته می‌شود. در مگالاپلیس، حومه‌ها و شهرک‌های اقماری یک مادرشهر به حومه‌ها و شهرک‌های مادرشهر دیگر پیوند می‌خورد. برخی، مگالاپلیس را منطقه ابرشهری نامیده‌اند.

مگالاپلیس‌ها معمولاً در امتداد راه‌های ارتباطی، شکل خطی و کریدوری و برخی نیز شکل خوشه‌ای و کپکشان‌ی پیدا کرده‌اند.

(یغرافیا (۳)، یغرافیای سکونتگاه‌ها، ص ۱۴)





۱۲۳- گزینه ۳»

(معمرضا معموری‌ها)

سامانه اطلاعات جغرافیایی در امور متعددی چون برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها و روستاها، کاربری زمین، آمایش سرزمین، مدیریت منابع طبیعی، مکان‌یابی شهرک‌ها و صنایع، کشاورزی، معادن، محیط زیست، مخاطرات طبیعی، عمران، شبکه‌های حمل و نقل، نقشه‌برداری، امور نظامی و دفاعی، شبکه‌های بهداشت و درمان و کسب و کار و تجارت کاربرد دارد.

در این سامانه، داده‌های مربوط به پدیده‌های دنیای واقعی را می‌توان براساس اهداف مطالعه و نوع ویژگی‌های موردنظر در قالب لایه‌های جداگانه طبقه‌بندی و ترکیب کرد. از جمع‌بندی و تلفیق لایه‌های مختلف لایه جدیدی حاصل می‌شود که دربرگیرنده اطلاعات دقیق و مورد نیاز کاربران است.

(یغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های یغرافیایی، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰)

۱۲۴- گزینه ۲»

(زهرا رامیار)

در یک منطقه، زمانی زمین‌لرزه اتفاق می‌افتد که سنگ‌های پوسته زمین مقاومت خود را در برابر نیروهای واگرا، همگرا و برشی از دست بدهند. در نتیجه، سنگ‌ها به‌طور ناگهانی در امتداد گسل می‌شکنند و با جابه‌جایی گسل، انرژی زیادی به صورت زمین‌لرزه آزاد می‌شود. پس از جابه‌جایی گسل و آزاد شدن انرژی آن به صورت زمین‌لرزه، از آنجا که صفحات پوسته زمین ثابت نیستند، تداوم حرکت موجب تجمع دوباره انرژی می‌شود. انرژی انباشته‌شده باعث تشکیل گسل جدید یا آزاد شدن انرژی در محل گسل‌های قدیمی و تکرار زمین‌لرزه می‌شود.

جابه‌جایی زمین در امتداد گسل‌های فعال روی می‌دهد. فشار مداوم نیروهای زمین‌ساخت در اطراف قطعات گسل‌ها به تدریج ذخیره می‌گردد و سپس به‌طور ناگهانی با جابه‌جایی دو قطعه گسلی آزاد می‌شود. شدیدترین تنش زمین‌لرزه در نقطه کانونی آن روی می‌دهد و هرچه از این نقطه فاصله بگیریم، از شدت تکان‌های ناشی از زمین‌لرزه کاسته می‌شود.

(یغرافیا (۳)، مقاطعات طبیعی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

۱۲۵- گزینه ۳»

(زهرا رامیار)

یکی از عوامل مؤثر در وقوع سیل دخالت‌های انسانی است. احداث سازه‌های نامناسب در مسیر رودها، مانند ساختن پل‌هایی با دهانه‌های تنگ و پایه‌های زیاد موجب سیل می‌شوند؛ زیرا در اثنای وقوع سیل، تنه‌ها و شاخه‌های درختان کنده شده نمی‌توانند از دهانه‌های این پل‌ها عبور کنند و سرانجام باعث سرریز شدن آب و حتی تخریب پل‌ها می‌شوند. ساختن دیواره‌های سیمانی و سنگ چین کردن کناره‌ها نیز مجرای رود را تنگ‌تر می‌کند و در زمان وقوع سیل باعث سرریز آن می‌شود.

(یغرافیا (۳)، مقاطعات طبیعی، صفحه ۹۱)

فلسفه و منطق

۱۲۶- گزینه ۱»

(نیما بواهری)

در گزینه ۱: «دلالیت هر سه کلمه مشخص شده، دلالیت التزامی است. در عبارت اول منظور از «دست»، «قدرت و توان» است و در عبارت دوم منظور از «سر»، «قصد و فکر» است و در عبارت سوم منظور از «باده»، «جام و ظرفی که باده و شراب در آن ریخته شده» می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «دلالیت هر سه کلمه مشخص شده، دلالیت التزامی است. در عبارت اول منظور از «خاک»، «قبر» است و دلالیت التزامی است - در عبارت دوم منظور از «خون»، «کشتن و به قتل رساندن» است و دلالیت التزامی است - در عبارت سوم منظور از «شمع»، «شعله شمع» است و دلالیت تضمینی است.

گزینه ۳: «دلالیت هر سه کلمه مشخص شده، دلالیت التزامی است و دلالیت تضمینی است - در عبارت اول منظور از «دل»، «احساسات و عواطف» است و دلالیت التزامی است - در عبارت دوم منظور از «سر»، «چشم» است (آب سر = آب یا اشک چشمان) و دلالیت تضمینی است - در عبارت سوم دلالیت لفظ «میکده» مطابقی است.

گزینه ۴: «دلالیت هر سه کلمه مشخص شده، دلالیت التزامی است و دلالیت تضمینی است - در عبارت اول منظور از «دست»، «انگشتان دست» است و دلالیت تضمینی است - در عبارت دوم منظور از «ایران»، «مردم یا سپاه ایران» است و دلالیت التزامی است - در عبارت سوم منظور از «بیت»، «شعر» است و دلالیت التزامی است.

نکته: هرگاه کل را بگوییم و منظور جزء آن باشد دلالیت تضمینی است. مانند اینکه دست را بگوییم اما منظورمان بخشی از انگشتان باشد، اما برعکس این مورد (اگر جزء را بگوییم و منظورمان کل باشد. مثلاً مانند این که بیت را بگوییم اما منظورمان همان شعر باشد) دلالیت التزامی است.

(منطق، لفظ و معنا، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۱۲۷- گزینه ۴»

(نیما بواهری)

در یک دسته‌بندی صحیح باید دو شرط رعایت شده باشد: ۱- هر طبقه نسبت به طبقه قبل خود دارای رابطه عموم و خصوص مطلق باشد. ۲- طبقات به ترتیب از عام به خاص قرار گرفته باشند. به یاد داشته باشید که علاوه بر فعل، مصدر نیز نشانگر وقوع کار یا رخ دادن حالتی است؛ پس رابطه آن عموم و خصوص مطلق است.

بنابراین نکته گزینه ۴ «یک دسته‌بندی صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «بین مفاهیم «سبز» با «گیاه» عموم و خصوص من‌وجه و بین «درخت» با «میوه سبز» نسبت تباین برقرار است.

گزینه ۲: «بین «مایع» و «فلز» عموم و خصوص من‌وجه برقرار است و هر چند بین «فلز» و «رسانای جریان الکتریسیته» عموم و خصوص مطلق برقرار است، اما «رسانای جریان الکتریسیته» عام‌تر است و باید اول بیاید.

گزینه ۳: «زمان»، «کم متصل متغیر (غیر ثابت)» است. بنابراین با دو مفهوم قبل از خود نسبت تباین دارد.

(منطق، مفهوم و مفردات، صفحه ۲۴)

۱۲۸- گزینه ۴»

(هسین آفوندری راهنمایی)

وقتی گفته می‌شود رابطه بین تعریف و مفهوم مجهول عموم و خصوص من‌وجه باشد؛ یعنی تعریف نه جامع است و نه مانع. به عبارتی تعریف هم اعم است (مانع نیست) و هم اخص است (جامع نیست).

**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: تعریف اعم است و نسبت عموم و خصوص مطلق دارد.

گزینه «۲»: تعریف بی‌ارتباط است و نسبت تبیین دارد.

گزینه «۳»: تعریف اعم است و نسبت عموم و خصوص مطلق دارد چون شامل استدلال نیز می‌شود.

گزینه «۴»: تعریف اعم و اخص است و نسبت عموم و خصوص من وجه دارد. (منطق، اقسام و شرایط تعریف، صفحه‌های ۳۴ و ۳۵)

**۱۲۹- گزینه «۲»**

(علیرضا نمیری)

در این گزینه سه قضیهٔ موجب وجود دارد: (۱) «آینهٔ ما نمایش‌دهندهٔ روی تو به خوشی است» و (۲) «آینهٔ پاکیزه است» و (۳) «روی تو زیبا است.» بنابراین همین گزینه جواب تست خواهد بود.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در این گزینه یک قضیهٔ موجب (من روز و شب در هوایت بی‌قرار هستم) و یک قضیهٔ سالبه (من روز و شب سر از پایت بردارنده نیستم) وجود دارد.

گزینه «۳»: در این گزینه یک قضیهٔ موجب (تو همان پرسش بی‌زیرا هستی) و یک قضیهٔ سالبه (عاشقی نیازمند توجیه و دلیل نیست) وجود دارد. البته قضیهٔ سالبه به صورت پرسشی مطرح شده اما از آنجایی که استفهام انکاری است و مفهوم سلبی دارد، پرسشی نیست و می‌توان آن را یک قضیهٔ سالبه به حساب آورد.

گزینه «۴»: در این گزینه هیچ قضیه‌ای وجود ندارد. «من که به چشم تو محتاج و گرفتار هستم» و «ای کسی که قلب مرا به تاراج برده است.» جملهٔ تام نیستند و «حرفی بزن» نیز جملهٔ امری و انشایی است و قضیه محسوب نمی‌شود.

(منطق، قضیهٔ مملی، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰)

**۱۳۰- گزینه «۳»**

(سبا یعقوبزاده صابری)

هرگاه رابطهٔ بین موضوع و محمول در قضیهٔ سالبهٔ جزئی، عموم و خصوص من وجه باشد، با جابه‌جا کردن موضوع و محمول آن هم قضیه‌ای صادق به دست می‌آید.

برخی ماهیت‌ها دارای وجود نیستند. (صادق)

برخی موجودات دارای ماهیت نیستند. (صادق)

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه‌های «۱» و «۴»: هر ماهیتی معدوم است = هیچ ماهیتی موجود نیست.

بین قضیهٔ صورت سؤال و «هیچ ماهیتی موجود نیست.» رابطهٔ تداخل برقرار است. در رابطهٔ تداخل از صدق قضیهٔ کلی به صدق قضیهٔ جزئی می‌توان رسید؛ نه برعکس.

گزینه «۲»: بین «برخی ماهیت‌ها وجود ندارند» و «هر شیء دارای ماهیتی دارای وجود است» رابطهٔ تناقض برقرار است. در تناقض از صدق یک طرف قضیه کذب طرف دیگر حاصل می‌شود.

(منطق، اقسام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

**۱۳۱- گزینه «۴»**

(علیرضا تقی‌پور)

صورت کلی منطقی این استدلال چنین است:

|             |      |                                    |                                 |        |
|-------------|------|------------------------------------|---------------------------------|--------|
| مقدمهٔ اول: | بعضی | ب: (کتاب‌های من = مال من)          | الف: (کتاب دست دوم)             | هستند. |
| مقدمهٔ دوم: | هر   | ج: (کتاب ارزان‌تر از قیمت پشت جلد) | ب: (کتاب من = مال من)           | است.   |
| ∴           | بعضی | الف: (کتاب‌های دست دوم)            | ج: (کتاب ارزان از قیمت پشت جلد) | هستند. |

بنابراین چون شرط دوم (منفی نبودن هر دو حد وسط) رعایت نشده است، قیاس نامعتبر است (رد گزینه «۲»).

گزینه‌های «۱» و «۳»: طبق الگوی قیاس صورت سؤال، حد وسط (ب) تکرار شده است و این استدلال، قیاس شکل چهارم است.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

**۱۳۲- گزینه «۳»**

(سبا یعقوبزاده صابری)

مبنای اصلی گزینه «۳»، «اصالت فرد» می‌باشد که برای جامعه قائل به هویت مستقل و جداگانه نیست و تأثیر جامعه بر فرد را صرفاً در تأثیر افراد جامعه بر یکدیگر می‌داند؛ نه هویت و چارچوب مستقل اجتماعی حاکم بر جامعه.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: اینکه تکامل جوامع تابع فرایندهای ضروری تاریخی و جمعی است و تحت اختیار و کنترل افراد نمی‌باشد، مرتبط با نظریهٔ اصالت جمع است.

گزینه «۲»: اینکه هویت شخصی در پرتو هویت اجتماعی محو می‌شود نشان از آن است که جمع اصیل است نه فرد.

گزینه «۴»: اینکه جامعه آثاری دارد که در افراد انسانی مشهود نیست و اصالت با آن است نشان از اصالت جمع است.

(فلسفهٔ یازدهم، ریشه و شافه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

**۱۳۳- گزینه «۲»**

(نیما یواهری)

فرد هنگامی که اتفاقی زنجیرهایش پاره شود و از غار بیرون برود، روشنایی خورشید چشم‌هایش را خیره خواهد ساخت و به دردی طاقت‌فرسا دچار خواهد شد، بنابراین دوباره به غار پناه می‌برد و عقیده‌اش نسبت به سایه‌ها استوارتر خواهد شد. عاملی که باعث می‌شود که نهایتاً او از سایه‌ها و باور غلط خود نسبت به آن‌ها رهایی یابد، این است که شخصی تنومند او را به بیرون غار بکشاند و در معرض نور قرار بدهد. بنابراین از نظر افلاطون وجود یک راهنما و مربی برای رهایی از باورهای غلط و غیرمنطقی لازم است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: هدف افلاطون از تمثیل غار، این است که نشان دهد چگونه فلسفه انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند.

گزینه «۳»: این تمثیل بیانگر مجموعهٔ فلسفهٔ افلاطون است، نه صرفاً بخش معرفت‌شناسانهٔ آن.

گزینه «۴»: نهایی‌ترین شناختی که انسان به آن می‌رسد، شناخت مثال خیر است که عامل حقیقت یافتن هر چیزی است.

(فلسفهٔ یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)



## ۱۳۴- گزینهٔ ۲»

(هسین آفونری راهنمایی)

زادگاه فلسفهٔ یونانی بخشی از سرزمین یونان بود نه کل آن. نام آن ایونیا بود که قبلاً در یونان بوده است اما الان در ترکیه واقع شده است. در اینجا بود که حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه‌گذاری شد و نخستین فلاسفه پا به عرصهٔ وجود گذاشتند.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه ۳۰)

## ۱۳۵- گزینهٔ ۳»

(نیمیا پواهری)

ما ممکن است در توانایی خود برای شناختن بسیاری چیزها شک کنیم، اما این شک به معنای شک کردن و زیر سؤال بردن اصل امکان شناخت به‌طور کلی نمی‌باشد (رد گزینه‌های ۱، ۲، ۴). در گزینهٔ «۳» کلاً شناخت را یک امر ساخته و پرداختهٔ ذهن افراد معرفی کرده و ارتباط آن را با واقعیت انکار کرده است. زمانی که تطابق شناخت ذهنی را با واقعیت بیرونی انکار می‌کنیم در واقع منکر امکان شناخت شده‌ایم. پس پاسخ مناسب همین گزینه است.

(فلسفهٔ یازدهم، امکان معرفت، صفحه‌های ۴۷ و ۴۸)

## ۱۳۶- گزینهٔ ۴»

(نیمیا پواهری)

فرازی و ابن‌سینا نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند و آن را معتبر می‌دانستند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینهٔ «۱»: ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به‌طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخن نمی‌گوید.

گزینهٔ «۲»: سهروردی شهود قلبی را معتبر می‌دانست؛ اما سعی می‌کرد شهودهایش را تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایهٔ آن شهودها، شهودهایی که استدلالی شده بود بنا کرد. سهروردی هر شهودی را وارد نظام فلسفی خود نمی‌کرد.

دقت کنید که وقتی یک نظام فلسفی است؛ پایه و اساس آن عقل و استدلال می‌باشد.

گزینهٔ «۳»: ملاصدرا از آیات و روایات صرفاً برای تأیید نتیجهٔ استدلال‌هایش بهره می‌گرفت و آن‌ها را در مقدمات استدلال‌هایش وارد نمی‌کرد، بلکه با همان روش عقلی و فلسفی پیش می‌رفت.

(فلسفهٔ یازدهم، نگاهی به تاریخچهٔ معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

## ۱۳۷- گزینهٔ ۳»

(علیرضا نصیری)

افلاطون معتقد است که وظیفهٔ اصلی هرکس باید حفاظت و مراقبت از نفسش باید تا به فضایل آراسته گردد و زیبا بشود. ولی از آنجا که اساساً افلاطون نفس را باقی و غیرفانی می‌داند؛ پس در نتیجه این مسئلهٔ مراقبت از نفس ارتباطی با نابودی آن ندارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینهٔ «۱»: افلاطون معتقد است که نفس محدودیت‌های بدن را ندارد. گزینهٔ «۲»: ارسطو نفس را هنگام تولد کاملاً بالقوه می‌داند و بنابراین هنگام تولد هیچ علم یا احساسی در نفس موجود نیست و نفس استعداد و قوهٔ محض است.

گزینهٔ «۴»: چون ارسطو نفس را عامل حیات داشتن می‌داند و از نظر او قابلیت حیات مربوط به نفس است پس باید نتیجه گرفت که او هر جاننداری را دارای نفس می‌داند. ولی نفس ناطقه یعنی همان قوهٔ تعقل و خردورزی فقط در انسان یافت می‌شود.

(فلسفهٔ یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۲)

## ۱۳۸- گزینهٔ ۲»

(علیرضا نصیری)

فیلسوفان ماتریالیست برخلاف فیلسوفانی همچون افلاطون و ارسطو و حکمای اسلامی، حسن و قبح را غیرذاتی و اعتباری می‌دانند و معتقدند که انسان آن‌چه را که برای او مفید باشد «خوب» و آن‌چه را برایش مضر باشد «بد» اعتبار می‌کند و بدین ترتیب اطلاق این الفاظ و مفاهیم بر پدیده‌ها کاملاً اعتباری است (تأیید گزینهٔ ۲).

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینهٔ «۱»: ماتریالیست‌ها حسن و قبح افعال را اعتباری می‌دانند؛ نه ذاتی.

گزینهٔ «۳»: افلاطون و ارسطو حسن و قبح اعمال را ذاتی می‌دانند؛ نه اعتباری.

گزینهٔ «۴»: از نظر فیلسوفان ماتریالیست، حسن و قبح افعال صرفاً اعتبار خود افراد هستند و حاکی از یک حقیقت واقعی خارجی نیستند که بشود با تجربه آن را کشف کرد. زمانی می‌توان گفت که با تجربه کشف شده که آن را به‌عنوان یک واقعیت اصیل و ذاتی بپذیریم؛ در حالی که از نظر ماتریالیست‌ها اصول اخلاقی ذاتی نبوده و اعتباری‌اند.

(فلسفهٔ یازدهم، انسان مویبر اطلاق‌گرا، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

## ۱۳۹- گزینهٔ ۲»

(نیمیا پواهری)

حمل در قضیهٔ «خداوند موجود است» حمل ضروری است؛ زیرا خداوند واجب‌الوجود است. اما توجه کنید که وجود جزء ذاتیات هیچ امری نیست و حمل وجود بر هیچ مفهومی اولی ذاتی نبوده و شایع صناعی است.

حمل در قضیهٔ «آب مایع است» حمل اولی ذاتی است؛ زیرا مایع از مفاهیم ذاتی آب به‌شمار می‌رود. هر حمل اولی ذاتی یک حمل وجوبی است؛ بنابراین این حمل وجوبی (ضروری) به‌شمار می‌رود.

حمل در قضیهٔ «دایرهٔ پنج‌ضلعی وجود دارد» امتناعی است و دایرهٔ پنج‌ضلعی ممتنع‌الوجود است. اما این به حمل اولی انجام می‌شود، (زیرا دایرهٔ پنج‌ضلعی ذاتاً نمی‌تواند وجود داشته باشد و معدوم است).

(فلسفهٔ دوازدهم، بیان ممکنات، صفحه‌های ۵، ۹ و ۱۰)

## ۱۴۰- گزینهٔ ۴»

(نیمیا پواهری)

اصول «سنخیت میان علت و معلول» و «وجوب علی و معلولی» از فروع اصل علیت به‌شمار می‌روند و علیت با این اصول است که معنا دارد. انکار و نفی هر یک از آن‌ها به معنای وقوع صدفه و نقض اصل علیت است. وقتی هریک از این اصول را انکار می‌کنیم در واقع خود علیت را نیز انکار کرده‌ایم.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینهٔ «۱»: انکار اصل سنخیت لزوماً به معنای انکار اصل وجوب نیست و برعکس.

گزینهٔ «۲»: این مورد صرفاً مربوط به اصل سنخیت میان علت و معلول است.

گزینهٔ «۳»: این مورد صرفاً مربوط به اصل وجوب علی و معلولی است.

(فلسفهٔ دوازدهم، بیان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

## ۱۴۱- گزینهٔ ۴»

(علیرضا نصیری)

اولین صورت‌های برهان نظم در آثار افلاطون یافت می‌شود. او معتقد است که: «یگانه سخنی که دربارهٔ نظم و جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می‌توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.» و بنابراین نظم جهان را نشأت گرفته از وجودی عاقل یا همان خدای صانع می‌داند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینهٔ «۱»: با وجود اینکه در یونان باستان فرهنگ چندخدایی رواج داشت و یونانیان برای هر پدیده‌ای خدا یا الهه‌ای قائل بودند اما آنچه افلاطون در آثار خود، خدا می‌خواند با خدای ادیان اشتراکاتی دارد و می‌تواند منطبق باشد.

**اقتصاد**

**۱۴۶- گزینه «۴»**

(نسرین بیغری)

الف) در نقطه M میزان خرید از مواد غذایی و پوشاک صفر است و همه درآمد، صرف آموزش و تفریح می‌شود.

ب) در نقطه N میزان خرید از مواد غذایی و پوشاک صفر است و همه درآمد، صرف آموزش و تفریح می‌شود و فرد می‌تواند ۱۰ واحد از آموزش و تفریح را خریداری کند. در نتیجه کل بودجه یا درآمد خانوار برابر خواهد بود با:

تومان  $10 \times 900,000 = 9,000,000$  = بودجه یا درآمد خانوار

در نقطه N میزان خرید از آموزش و تفریح صفر است و همه درآمد، صرف مواد غذایی و پوشاک می‌شود و فرد می‌تواند ۵ واحد از مواد غذایی و پوشاک را خریداری کند. در نتیجه قیمت هر واحد از مواد غذایی و پوشاک برابر خواهد بود با:

تومان  $\frac{9,000,000}{5} = 1,800,000$  = قیمت هر واحد از مواد غذایی و پوشاک

پ) بابت ۱ واحد اضافه کردن به خرید مواد غذایی و پوشاک (مثلاً از B به A رفتن و مواد غذایی و پوشاک را از ۳ واحد به ۴ واحد افزایش دادن) باید از میزان خرید آموزش و تفریح ۲ واحد کم کند (هزینه فرصت) که این ۲ واحد که از خرید آموزش و تفریح صرف نظر می‌کنیم برابر با هزینه فرصت ۱ واحد اضافه کردن به خرید مواد غذایی و پوشاک است.

(اقتصاد، اصول انتخاب درست، صفحه‌های ۲۵ تا ۲۸)

**۱۴۷- گزینه «۱»**

(مهدی ضیائی)

**بررسی موارد:**

الف) نادرست است؛ زیرا در دوره پهلوی بود که ساختارهای اساسی اقتصاد کشور زیر سلطه و برنامه‌ریزی بیگانگان قرار گرفت.

ب) درست است.

ج) درست است.

د) نادرست است؛ شکل‌گیری قدرت‌های بزرگ در اروپا مصادف با اواخر حکومت صفویه بود.

ه) نادرست است؛ در دوران حکومت پهلوی، نظام نوینی در مالیات‌ستانی و بودجه‌بندی کشور پدید آمد و برخی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و انسانی بهبود یافت.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۰۹)

**۱۴۸- گزینه «۴»**

(نسرین بیغری)

الف) ۵۰ درصد درآمد ملی به ۷۰ درصد کم درآمد جامعه (یعنی دهک‌های اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم) و ۵۰ درصد دیگر به دهک‌های پردرآمد جامعه (یعنی دهک‌های هشتم، نهم و دهم) تعلق گرفته است. یعنی مجموع سهم دهک‌های اول تا هفتم برابر با ۵۰ درصد است، هم‌چنین مجموع سهم دهک‌های هشتم، نهم و دهم نیز برابر با ۵۰ درصد است. در نتیجه خواهیم داشت:

درصد  $50 = 50$  = سهم دهک هفتم + ... + سهم دهک دوم + سهم دهک اول

$4 + 5 = 50$  = سهم دهک سوم + سهم دهک سوم

گزینه «۲»: افلاطون خداوند را صانع و افعال او را هدف‌دار می‌داند؛ اما او را در این جهان و دنیای مادی قرار نمی‌دهد. او بیان می‌دارد که: «در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می‌زاید و نه از میان می‌رود...» و با به کار بردن عبارت «در سوی دیگر» که مقصود آن عالم مثال است، تصریح می‌کند که خدای مد نظر او در این جهان نیست. گزینه «۳»: با اینکه خدا از نظر افلاطون نامحسوس و نادیدنی است، اما او معتقد است که با شهود عقلانی می‌توان او را یافت و از آن بهره برد.

(فلسفه دوازدهم، فرا در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۴)

**۱۴۲- گزینه «۲»**

(علیرضا نصیری)

در دوره اول حاکمیت کلیسا، بزرگان مسیحیت هرگونه فعالیت عقلی را در تقابل با ایمان دانسته و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: این عبارت مربوط به دوره دوم حاکمیت کلیسا است، نه دوره اول.

گزینه «۳»: از قرن دهم تا سیزدهم که دوره دوم حاکمیت کلیسا و قرن‌های منتهی به رنسانس محسوب می‌شود، متفکران اروپایی روی به مطالعه و تتبع در آثار فلاسفه‌ای مانند ابن‌سینا و ابن‌رشد کردند ولی هدفشان از این کار تبیین عقلانی مبانی دینی بود نه تضعیف و انکار آنان.

گزینه «۴»: آنچه که باعث جایگزین شدن عقل با دین شد متناقض بودن اصول و مبانی مسیحیت با اصول عقلی است نه تطابق آن‌ها.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت اول، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

**۱۴۳- گزینه «۴»**

(علیرضا تقی‌پور)

مخالفت با عقل‌گرایی در تاریخ اسلام به دو شکل عمده بروز پیدا کرده است: ۱- محدود کردن دایره کاربرد عقل (رد گزینه «۲») ۲- مخالفت با فلسفه و منطق به‌عنوان دستاوردهای غیراسلامی (رد گزینه‌های «۱» و «۳»؛ اما هیچ‌کدام از این مخالفت‌ها به معنای مخالفت با پیشرفت علم و دانش نبود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه- قسمت دوم، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۲)

**۱۴۴- گزینه «۲»**

(مسین آفونری راهنمایی)

ذات نخستین و مبدأ جهان و نورالانوار همه از صفات خداوند هستند و فقط صفات خداوند هستند.

اما در فلسفه سهروردی اساساً مفهوم نور به جای وجود به کار می‌رود و همه موجودات مجرد و غیرمادی دارای حقیقتی نورانی هستند.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۴)

**۱۴۵- گزینه «۳»**

(حسن صدری)

اصالت وجود یعنی آنچه در خارج تحقق دارد و دارای مصادق واقعی است، وجود است. یعنی آنچه در خارج منشأ اثر است، وجود است و واقعیت خارجی مابعدا و مصادق وجود است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: ماهیت نیز چون منشأش همان وجود است، پس منشأ خارجی دارد. پس این گزینه به طور خاص به اصالت وجود اشاره ندارد.

گزینه «۲»: وجود منشأ انتزاع چیستی است نه برعکس.

گزینه «۴»: اینکه مفهوم وجود از مفهومی دیگر انتزاع نمی‌شود؛ دلیلی بر اصالت آن نیست. خود مفهوم وجود از موجودات در خارج انتزاع شده است؛ اما فرقی با ماهیت این است که وجود منشأ اثر در خارج است اما ماهیت منشأ اثر نیست.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

$$= \frac{2,460,000 - 1,500,000}{1,500,000} \times 100 = 64 \text{ درصد}$$

محاسبه GDP واقعی در هر سال (سال ۱۳۹۵ پایه است).

$$1395 \text{ GDP واقعی} = (500 \times 2,000) + (100 \times 5,000)$$

$$= 1,500,000 \text{ تومان}$$

$$1396 \text{ GDP واقعی} = (600 \times 2,000) + (120 \times 5,000)$$

$$= 1,800,000 \text{ تومان}$$

نرخ رشد تولید واقعی (از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶)

$$= \frac{1,800,000 - 1,500,000}{1,500,000} \times 100 = 20 \text{ درصد}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۱ و ۱۲۲)

### ۱۵- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

#### بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نادرست است. با فرض ثابت ماندن منابع کارخانه، دستیابی به نقطه (و) که خارج از مرز امکانات تولید است، ممکن نیست و تولید در نقطه (ه) نیز که داخل مرز امکانات تولید است، ناکارا است.

گزینه «۲»: درست است.

در نقطه ب ۲۰۰ عدد کالای B و ۶۰۰ عدد کالای A تولید می‌شود.

در نقطه ج ۴۰۰ عدد کالای B و ۳۰۰ عدد کالای A تولید می‌شود.

در نتیجه برای تولید بیشتر کالای B باید در طول مرز امکانات تولید به سمت راست و پایین جابه‌جا شویم یعنی از نقطه (ب) به (ج) حرکت کنیم، در نتیجه میزان تولید کالای B، ۲۰۰ عدد بیشتر می‌شود و از ۲۰۰ به ۴۰۰ می‌رسد، اما میزان تولید کالای A، ۳۰۰ عدد کمتر می‌شود و از ۶۰۰ به ۳۰۰ می‌رسد، بنابراین هزینه فرصت تولید ۲۰۰ واحد بیشتر کالای B، ۳۰۰ واحد کالای A است که از تولید آن صرف‌نظر می‌شود.

گزینه «۳»: نادرست است. در نقطه (ج) ۴۰۰ عدد کالای B و ۳۰۰ عدد کالای A تولید می‌شود.

در نقطه (د) تمامی امکانات برای تولید کالای B صرف می‌شود و می‌توان ۵۰۰ عدد از این کالا را تولید کرد، و بدیهی است دیگر امکان تولید کالای A وجود نخواهد داشت و میزان تولید این کالا برابر است با صفر. در نتیجه ۳۰۰ واحد کالای A بیشتری، در نقطه (ج) نسبت به نقطه (د) تولید شده است.

گزینه «۴»: نادرست است. اگر تقاضای مشتریان، برای محصول A، افزایش یابد، نقطه تولید از نقطه (ج) به نقطه (ب) جابه‌جا می‌شود.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۱)

### ۱۵۲- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

الف) حقوق و عوارض گمرکی / مالیات بر دارایی / مالیات بر درآمد / مالیات بر ارزش افزوده

ب) بررسی قسمت «ب» در گزینه‌ها:

گزینه «۱»: صحیح است.

گزینه «۲»: نادرست است؛ دانش‌آموز، دانشجو، بازنشسته، خانه‌دار و افرادی که دنبال کار نمی‌گردند، بیکار محسوب نمی‌شوند.

گزینه «۳»: صحیح است.

$$\Rightarrow \text{درصد } 6 = 50 - 44 = 6 \text{ سهم دهک سوم}$$

$$\text{درصد } 50 = \text{سهم دهک دهم} + \text{سهم دهک نهم} + \text{سهم دهک هشتم}$$

$$50 = 24 + \text{سهم دهک نهم} + 12$$

$$\Rightarrow \text{درصد } 14 = 50 - 36 = 14 \text{ سهم دهک نهم}$$

(ب)

$$\text{میلیارد واحد پولی} = \frac{4}{100} \times 60,000 = 2400$$

پ) برای شکل‌گیری شاخص دهک‌ها، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. بنابراین اگر جمعیت دهک چهارم ۸ میلیون نفر باشد، بنابراین کل جمعیت کشور برابر خواهد بود با:

$$\text{میلیون نفر } 80 = 10 \times 8 = 80 \text{ جمعیت کشور}$$

ت) با محاسبه نسبت دهک دهم به دهک اول در کشورهای مختلف، شاخصی به دست می‌آید که برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد بین آن‌ها به کار می‌رود. هرچه این نسبت «بیشتر» باشد، توزیع درآمد در آن جامعه «نامناسب‌تر» است.

$$6 = \frac{24}{4} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص دهک‌ها در کشور A}$$

با محاسبه شاخص دهک‌ها برای کشورهای A و B درمی‌یابیم که این شاخص در کشور B بیشتر است و در نتیجه، توزیع درآمد در کشور A در مقایسه با کشور B مناسب‌تر است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۳ و ۱۲۴)

### ۱۴۹- گزینه «۴»

(مهری ضیائی)

انواع مالیات مستقیم: مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد

انواع مالیات غیرمستقیم: عوارض گمرکی و خدماتی، مالیات بر مصرف، مالیات بر ارزش افزوده

(الف)

$$\text{مالیات بر دارایی} = \frac{1}{3} \times \text{مالیات بر درآمد اشخاص}$$

$$= \frac{1}{3} \times 360 = 120 \text{ میلیون تومان}$$

$$\text{مالیات بر دارایی} + \text{مالیات بر درآمد اشخاص} = \text{مجموع میزان مالیات مستقیم پرداختی}$$

$$\text{تومان } 480,000,000 = 120 + 360 = 480 \text{ میلیون تومان}$$

(ب)

+ عوارض نوسازی = مجموع میزان مالیات غیرمستقیم پرداختی

مالیات بر نمک (مالیات بر مصرف) + تعرفه‌های گمرکی + عوارض خودرو

$$\text{تومان } 165,000,000 = 55 + 15 + 70 + 25 = 165 \text{ میلیون تومان}$$

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیوسته، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

### ۱۵۰- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

محاسبه GDP اسمی در هر سال:

$$1395 \text{ GDP اسمی} = (500 \times 2,000) + (100 \times 5,000)$$

$$= 1,500,000 \text{ تومان}$$

$$1396 \text{ GDP اسمی} = (600 \times 2,000) + (120 \times 5,000)$$

$$= 2,460,000 \text{ تومان}$$

نرخ رشد تولید اسمی (از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۶)

نوآور: ایده‌ها را به محصولات جدید، فرایندها و یا کسب و کارهای جدید تبدیل می‌کنند.

ریسک‌پذیر: پس‌انداز و خوش‌نامی‌شان را با شجاعت و تدبیر، به میدان می‌آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه‌اندازی کنند.

خوش‌بین: کارآفرینان واقع‌بین هستند اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی هستند.

پرانگیزه: نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.

یادگیرنده: از کارشناسان، همکاران و مشتریان می‌آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می‌دهند.

سازمان‌دهنده: منابع را به شکل کارایی مدیریت و هماهنگ می‌کنند.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۶ و ۹۸)

### ۱۵۵- گزینه «۳»

(نسرین معفری)

الف) در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی، بازار با مازاد تقاضا یا کمبود عرضه روبه‌رو می‌شود. مصرف‌کنندگان به دلیل ارزان بودن کالا، مایل به خرید تعداد واحد بیشتری از کالا هستند، در حالی که تولیدکنندگان برای تولید آن کالا به آن مقدار، انگیزه کافی ندارند؛ در نتیجه تولید و عرضه کالا کم می‌شود.

= میزان مازاد تقاضا در قیمت ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان

میزان عرضه در قیمت ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان - میزان تقاضا در قیمت ۱,۰۰۰,۰۰۰ تومان

واحد = ۸۰ - ۰ = ۸۰

= میزان مازاد تقاضا در قیمت ۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان

میزان عرضه در قیمت ۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان - میزان تقاضا در قیمت ۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان

واحد = ۴۰ - ۲۰ = ۴۰

(ب)

واحد = ۶۰ = میزان تقاضا در قیمت ۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان

واحد = ۴۰ = میزان تقاضای تعادلی

میزان تقاضای تعادلی - میزان تقاضا در قیمت ۲,۰۰۰,۰۰۰ تومان =>

واحد = ۲۰ = ۶۰ - ۴۰

پ) در قیمت ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان، میزان عرضه برابر با ۸۰ واحد است؛ اما به دلیل بالا بودن مبلغ کالا، مقدار تقاضا صفر است و هیچ واحد از کالا فروخته نمی‌شود. در نتیجه خواهیم داشت:

حداکثر درآمد عرضه‌کنندگان در قیمت ۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان

= ۵,۰۰۰,۰۰۰ × ۰ = ۰

در قیمت ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان، مقدار عرضه کالا ۶۰ واحد است؛ اما تنها

برای ۲۰ واحد از کالای عرضه شده تقاضا وجود دارد، در نتیجه خواهیم داشت:

حداکثر درآمد عرضه‌کنندگان در قیمت ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان

تومان = ۴,۰۰۰,۰۰۰ × ۲۰ = ۸۰,۰۰۰,۰۰۰

ت) کالای معمولی کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می‌شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می‌یابد. میزان

تقاضا از کالا در قیمت ۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان، برابر با ۲۰ واحد است، با افزایش درآمد میزان تقاضا از کالا در این سطح از قیمت بیشتر از ۲۰ واحد

خواهد شد. (با افزایش درآمد، منحنی تقاضا برای کالای معمولی به سمت راست منتقل خواهد شد.) (مطالعه درسنامه کتاب آبی برای درک بهتر این

سؤال توصیه می‌شود.)

(اقتصاد، بازار پیست و چگونه عمل می‌کنند؟، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۳)

گزینه «۴»: نادرست است؛ جمعیت فعال: افرادی که مشغول به کارند یا دنبال کار هستند.

ج) - کالای معمولی کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می‌شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می‌یابد.

- کالای پست به کالایی گفته می‌شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می‌یابد.

- کالاهای مکمل: کالاهایی که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می‌شوند. افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل، باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالای دیگر خواهد شد.

- کالاهای جانشین کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می‌شوند. زمانی که قیمت یک کالا افزایش می‌یابد، تقاضا برای کالای جانشین افزایش می‌یابد.

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۵۱، ۶۱ تا ۶۳ و ۸۵)

### ۱۵۲- گزینه «۳»

(نسرین معفری)

جمعیت زیر ۱۵ سال + جمعیت ۱۵ سال و بالاتر = جمعیت کل

جمعیت زیر ۱۵ سال - جمعیت کل = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر =>

نفر = ۶,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۴۴۰,۰۰۰ = ۷,۴۴۰,۰۰۰ = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر

جمعیت غیرفعال + جمعیت فعال = جمعیت ۱۵ سال و بالاتر

جمعیت غیرفعال - جمعیت ۱۵ سال و بالاتر = جمعیت فعال

نفر = ۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۰۰۰,۰۰۰ = ۶,۰۰۰,۰۰۰ = جمعیت فعال =>

$$100 \times \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ بیکاری}$$

$$20 = \frac{x}{5,000,000} \times 100$$

نفر = ۱,۰۰۰,۰۰۰ = (جمعیت بیکار) x =>

جمعیت شاغل + جمعیت بیکار = جمعیت فعال

جمعیت بیکار - جمعیت فعال = جمعیت شاغل =>

نفر = ۴,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۰۰۰,۰۰۰ = ۵,۰۰۰,۰۰۰ = جمعیت شاغل

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

### ۱۵۴- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

الف) با پول می‌توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آن‌ها را با هم سنجید. عملاً پول، کار خرید و فروش کالاهای مختلف و تبدیل قیمت‌ها را به یکدیگر آسان می‌کند.

ب) علاوه بر مخارج روزمره، برخی مخارج غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد. افراد پول‌هایی را که نزد خود پس‌انداز کرده‌اند، به‌عنوان وسیله حفظ ارزش در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌دهند. این وظیفه زمانی تحقق می‌یابد که پول بتواند در مقابل سطح عمومی قیمت‌ها ارزش خود را حفظ کند.

ج) نقش اصلی پول در مبادلات، آسان‌سازی مبادله است.

د) ویژگی‌های مشترک کارآفرینان موفق:

تیزبین: فرصت‌های کسب و کار را زمانی که دیگران شاید متوجه نشوند، می‌بینند.

۱۵۶- گزینه «۴»

(مهری ضیائی)

الف) درآمد حاصل از فروش منابعی همچون نفت و گاز و درآمد حاصل از ایجاد بدهی (یعنی از مردم قرض می‌گیرند یا آن‌ها را در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های دولت شریک می‌کنند). ناپایدار هستند.

**ب) بررسی موارد:**

گزینه «۱»: درست است.

گزینه «۲»: درست است.

گزینه «۳»: نادرست است؛ چرا که بازار محصولات برای بنگاه‌ها و بازار عوامل تولید برای خانوارها به عنوان منبع درآمد به شمار می‌روند.

گزینه «۴»: نادرست است؛ زیرا خریدهای دولت از بازار محصولات به عنوان هزینه‌های دولت شناخته می‌شود.

(اقتصاد، نقش دولت در اقتصاد پیوسته، صفحه‌های ۶۳ و ۶۵)

۱۵۷- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

میلیون ریال  $320 \times 25 = 8,000$  ارزش ماشین‌آلات تولیدی

(ارزش ماشین‌آلات تولیدی)  $\times \frac{40}{100} =$  ارزش مواد غذایی

میلیون ریال  $\frac{40}{100} \times 8,000 = 3,200$  ارزش مواد غذایی

(ارزش ماشین‌آلات تولیدی + ارزش مواد غذایی)  $\times \frac{3}{4} =$  ارزش خدمات ارائه شده

میلیون ریال  $\frac{3}{4} \times (8,000 + 3,200) = 16,800$  ارزش خدمات ارائه شده

(ارزش تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند)  $\times \frac{1}{4} =$  ارزش تولید خارجیان مقیم کشور

میلیون ریال  $\frac{1}{4} \times 80 = 20$  ارزش تولید خارجیان مقیم کشور

ارزش مواد غذایی + ارزش ماشین‌آلات تولیدی = تولید ناخالص داخلی

ارزش تولید خارجیان مقیم کشور + ارزش خدمات ارائه شده +

میلیون ریال  $8,000 + 3,200 + 16,800 + 20 = 28,020$  تولید ناخالص داخلی

$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} =$  تولید ناخالص داخلی سرانه

ریال  $\frac{28,020}{40} = 700.5$  تولید ناخالص داخلی سرانه

ارزش کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه به کار رفته در تولید ماشین‌آلات و مواد غذایی در محاسبات تولید کل کشور لحاظ نمی‌شوند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۱۵۸- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

میلیون تومان  $25 \times 12 = 300$  خرید مواد اولیه برای تولید سالانه بنگاه

میلیون تومان  $2 \times 7 \times 12 = 168$  مجموع حقوق سالانه تمامی کارگران بنگاه

میلیون تومان  $95 \times \frac{10}{100} = 9.5$  هزینه مالیات سالانه بنگاه

میلیون تومان  $300 + 400 + 168 + 9.5 = 963$  هزینه سالانه بنگاه

هزینه - درآمد = سود یا زیان

(ضرر یا زیان) میلیون تومان  $-13 = 963 - 950$

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۹ و ۶۷)

۱۵۹- گزینه «۲»

(مهری ضیائی)

بیکاری دوره‌ای، بیکاری است که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در دوره رکود، درآمد مالیاتی دولت به دلیل بیکار بودن کارگران و کاهش تولید شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

گزینه «۳»: با کاهش تولید و پدید آمدن رکود، کارگران کمتری هم مورد نیاز است و سرمایه کمتری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گزینه «۴»: وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگری نیست.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۳، ۸۵، ۸۷ و ۸۸)

۱۶۰- گزینه «۳»

(مهری ضیائی)

الف) کنفرانس پولی و مالی سازمان ملل (برتن وودز) در سال ۱۹۴۴ تشکیل شد و نتیجه آن تشکیل بانک جهانی توسعه و صندوق بین‌المللی پول بود.

ب) بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در طول مراحل امضای پیمان نفتا بیان کرد: «نفتا به معنی شغل و درآمد مناسب برای آمریکایی‌هاست. اگر من به این امر باور نداشتم، هرگز این معاهده را حمایت نمی‌کردم».

ج) کشور انگلستان در سال ۱۷۰۱، قانونی را در مجلس خود تصویب کرد که براساس آن واردات هر نوع پوشاک با ابریشم ایرانی یا هندی یا چینی به کشور را ممنوع اعلام می‌کرد.

(اقتصاد، تجارت بین‌الملل، صفحه ۷۴)